



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# ثواب اعمال حج



تالیف

محمود بن السید مهدی موسوی دہ سرخی اصفہانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ثواب اعمال حج

نویسنده:

محمود موسوي دهرخي اصفهاني

ناشر چاپي:

دار التبليغ اسلامي قم

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۱	ثواب أعمال حج
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	ثواب أعمال حج
۱۱	اشاره
۱۴	احرام
۱۵	ایام تشریق
۱۶	بکه
۱۶	پرده کعبه
۱۷	ترویبه
۱۷	تلبیه
۱۹	حج
۳۱	عقاب تارک حج
۳۴	حجر الاسود
۳۵	حجر اسماعیل (علیه السلام)
۳۷	حرم
۳۸	حطیم
۳۹	حلق
۳۹	دعای طلب حج
۴۰	دعا در وقت رمی
۴۱	رکن یمانی
۴۴	رمی
۴۵	زمزم
۴۸	سر تراشیدن

٤٩	سعی
٥٠	طواف
٥٤	عرفه
٥٦	عمره
٥٩	قربانی
٥٩	دعاء قربانی
٦١	کعبه
٦٥	مأزمین
٦٧	متعود
٦٧	محسر
٧٠	مستجار
٧٣	مسجد الحرام
٧٦	نماز با سنیها
٧٩	مسجد خیف
٨٠	مسجد منی
٨٠	مشعر
٨٠	مقام ابراهیم علیه السلام
٨١	مکه
٨٦	ملتزم
٨٧	منی
٨٩	ناودان
٩١	وادی محسر
٩٢	وداع
٩٥	فهرست ثواب اعمال حج
٩٩	منتخب المناسک
٩٩	اشاره

۱۰۲	عمره تمتع
۱۰۲	مواقیت احرام
۱۰۴	واجبات احرام
۱۰۵	احرام
۱۰۵	نیت
۱۰۶	تلبیه
۱۰۶	محرمات احرام
۱۰۷	آینه
۱۰۷	استمناء
۱۰۷	انگشتر
۱۰۷	بوئیدن
۱۰۸	بوسیدن زن
۱۰۸	پوشیدن چیز دوخته
۱۰۸	پوشانیدن روی پا
۱۰۸	پوشانیدن سر
۱۰۹	جدال
۱۱۰	جماع
۱۱۰	خون
۱۱۱	درخت
۱۱۱	دروغ
۱۱۱	دندان
۱۱۲	روغن
۱۱۲	زینت
۱۱۲	سایه
۱۱۳	سرمه
۱۱۳	سلاح

۱۱۴	شکار
۱۱۴	کفارات شکار صحرائی
۱۱۶	صورت گرفتن زن
۱۱۶	عقد
۱۱۷	قسم خوردن
۱۱۷	کشتن جانوران
۱۱۷	لمس
۱۱۷	مو
۱۱۸	ناخن
۱۱۸	جای کشتن کفارات احرام کجا است ؟
۱۱۸	طواف
۱۱۹	شرائط طواف
۱۲۰	واجبات طواف
۱۲۱	نماز طواف
۱۲۳	سعی
۱۲۵	واجبات سعی
۱۲۵	تقصیر
۱۲۶	طواف نساء
۱۲۶	حج تمتع
۱۲۷	احرام
۱۲۷	وقوف در عرفات
۱۲۷	اول وقوف اختیاری
۱۲۸	دوم وقوف اضطراری
۱۲۸	وقوف در مشعر الحرام
۱۲۹	وقوف اختیاری مشعر الحرام
۱۲۹	وقوف اضطراری مشعر الحرام



۱۳۰	رمی جمره عقبه
۱۳۰	واجبات رمی
۱۳۲	قربانی
۱۳۲	شرائط قربانی
۱۳۴	دعای قربانی در ثواب اعمال حج ص ۴۹ گذشت
۱۳۴	مصرف قربانی
۱۳۴	حلق و یا تقصیر
۱۳۵	طواف زیارت
۱۳۵	نماز طواف زیارت
۱۳۶	سعی بین صفا و مروه
۱۳۶	طواف نساء
۱۳۶	نماز طواف نساء
۱۳۸	بیتوته در منی
۱۳۹	رمی جمرات
۱۴۰	زیارت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه بعد از حج
۱۴۰	ثواب زیاره پیغمبر _صلی الله علیه و آله_
۱۴۱	الفاظی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بان زیارت می شود
۱۴۲	منبر
۱۴۳	زیارت حضرت فاطمه زهرا -علیهاالسلام-
۱۴۳	الفاظ زیارت
۱۴۴	زیارت دیگر
۱۴۵	وداع حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)
۱۴۶	زیارت ائمه بقیع علیهم السلام
۱۴۹	وداع ائمه بقیع
۱۴۹	زیارت فاطمه بنت أسد بن هاشم بن عبد مناف رضوان الله علیها
۱۵۱	زیارت جناب ابراهیم پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

- ۱۵۳ ..... زیارت عباس عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) -
- ۱۵۳ ..... زیارت حضرت حمزه بن عبد المطلب علیه السلام -
- ۱۵۶ ..... زیارت شهدای احد) -
- ۱۵۸ ..... ذکر سائر مساجد در مدینه -
- ۱۶۰ ..... فهرست منتخب المناسک -
- ۱۶۵ ..... غلطنامه ثواب اعمال حج و منتخب المناسک -
- ۱۶۶ ..... اثر قلمی مؤلف از قرار ذیل است -
- ۱۶۸ ..... درباره مرکز -

## ثواب أعمال حج

### مشخصات کتاب

سرشناسه: موسوی دهرسخی اصفهانی، محمود، 1305-

عنوان و نام پدیدآور: ثواب اعمال حج / تالیف محمود بن السید مهدی موسوی ده سرخی اصفهانی.

مشخصات نشر: [بی جا: بی نا]، 1393 ق. = 1351 (قم، دارالتبلیغ اسلامی (چاپخانه)).

مشخصات ظاهری: 155 ص.؛ 12×16/5 س م.

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: عنوان روی جلد: ثواب اعمال حج: بضمیمه المناسک مطابق با فتاوی هفت نفر از مراجع.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان روی جلد: ثواب اعمال حج: بضمیمه المناسک مطابق با فتاوی هفت نفر از مراجع.

موضوع: حج

حج--فضائل

رده بندی کنگره: 8/188BP/م9ث9 1351

رده بندی دیویی: 297/357

شماره کتابشناسی ملی: 2550898

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

ص: 1

## ثواب أعمال حج

اشاره

کتابخانه عمومی

حضرت آیت الله دهرخی (رحمه الله علیه)

همراه: 09123519832

تلفن: 025-37745149

آدرس: قم - خیابان معلم - کوچه 12 - پلاک 46

ص: 2

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير الانبياء والمرسلين محمد المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله الطيبين الطاهرين و  
اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين .

وبعد چنین گوید این فقیر الی الله مذب درگاه اله محمود ابن السید مهدی الموسوی الدهسرخی الأصفهانی که چون سال گذشته  
خداوند منان منت نهاد بر این حقیر بنیابت یکی از دوستان مشرف بزیرت بیت الله الحرام شدم دیدم در بسیاری از جاها ثواب اعمال  
مناسک در نظر اکثر نامعلوم بلکه معدوم است و در اکثر مناسکهای عملی ذکری از ثواب اعمال

ص: 3

نشده لذا در نظر گرفتیم بیاری صاحب خانه اخبار وارده از پیغمبر خدا و ائمه هدی در ثواب هر یک از اعمال بترتیب حروف هجاء جمع آوری و ترجمه کنم تا حجاج محترم بخوانند و قدر خود را بدانند و بدانند که چه ثوابی بایشان داده خواهد شد و مخفی نماند که این ثوابها که ذکر میشود مختص شیعه دوازده امامی می باشد و مخالفین را بهره جز زحمت نیست خداوند از فضل و کرمش ماها را شیعه دوازده امامی خالص بگرداند و از فتن آخرالزمان که شر از منه است حفظ فرماید و امیدم آنرا به ثواب اعمال حج ، وأسأل الله عز وجل أن یوفقنی لاتمامه و یقبل باحسانه فانه أهل لذلك.

## احرام

در فقیه ج 2 ص 131 در حدیث محمد بن قیس از امام محمد باقر علیه السلام است که فرمود بدان وقتی که متوجه حج شدی و سوارشدی و بسم الله گفتی حیوان سواری تو پا از پا بر نمیدارد جز آنکه خداوند بنویسد برای تو یک حسنه و محو کند یک گناه ، پس وقتی که احرام بستى و تلبیه گفتی خداوند بنویسد برای تو در هر تلبیه ده حسنه و محو کند از توده گناه .

در کافی ج 4 ص 335 در حدیث ابوالمغرا از حضرت

ص: 4

صداق علیه السلام دارد که بنی اسرائیل وقتی قربانی می کردند آتش می آمد و قربانی هرکس قبول شده بود میسوزانید ، و خداوند احرام را بجای قربانی قرار داده .

(اضحی و اضحیه) در قربانی خواهد آمد

## ایام تشریق

روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم که حجاج در منی می باشند این سه روز را ایام تشریق نامیده اند.

در فقیه ج 2 ص 128 دارد که روزه ایام تشریق مکروه است بجهت اینکه مردم زوار خدایند و مهمان او می باشند و سزاوار نیست که مهمان نزد مهماندار روزه بگیرد .

و در تهذیب ج 5 ص 449 در ذیل حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام دارد که چرا حرام است روزه گرفتن ایام تشریق حضرت میفرماید بجهت آنکه مردم زیارت کرده اند خدا را و مهمان او هستند و نیکو نیست برای خدا که مهمانهایش روزه بگیرند.

و در فقیه ج 2 ص 138 دارد که هر کس چشم و زبان و دستش را از ظلم و تعدی کوتاه کند در ایام تشریق خداوند عزوجل بنویسد برای او ثواب مثل حج آینده .

ص: 5

## بکه

در مفردات راغب گویند بعضی گویند بکه شکم مکه را گویند و بعضی گویند که اسم مسجید است و بعضی گویند اسم خانه است و بعضی گویند جای طواف است و بکه از تباک است یعنی ازدحام .

و در کافی ج 4 ص 526 و تهذیب ج 5 ص 451 دارد که بکه را بکه گویند چون مرد و زن در آنجا ازدحام کنند و بنا بر این که همان جای طواف است که مرد و زن برای طواف آنجا ازدحام کنند .

و در فقیه ج 2 ص 129 دارد که بکه بکه نامیده شده برای بکاء و گریه مردم اطراف آن و در آن ، و بکه جای خانه است .

## پرده کعبه

در تهذیب ج 5 ص 449 و فقیه ج 2 ص 128 از امیر المؤمنین (علیه السلام) است که آویزان شدن به پرده کعبه چه معنا دارد حضرت فرمود مثل او مثل کسی است که بکسی جنایتی کرده باشد و گنه کار باشد پس آویزان بدامان او شود و تضرع

ص: 6



وزاری کند که آن شخص از گناه او درگذرد .

در کافی ج 4 ص 229 و تهذیب ج 5 ص 449 و فقیه ج 2 ص 164 از حضرت صادق علیه السلام از پرده کعبه سؤال شد که آیا صلاحیت دارد ما آنرا لباس کنیم حضرت فرمود برای بچه ها و جلد قرآن و مخده صلاحیت دارد آنهم برای تبرک ان شاء الله .

### ترویه

و ترویها ترویه مصدر است از ماده (روی) و روز ترویه روز هشتم ذیحجه است .

در فقیه ج 2 ص 127 دارد که روز هشتم را ترویه نامیدند برای آنکه در عرفات آب نبود و روز هشتم از مکه همه آب بر میداشتند و ظرفهای خود را پر میکردند و بهم که میرسیدند میگفتند ترویتم ترویتم ، یعنی آب برداشتید آب برداشتید لذا آن روز را ترویه نامیدند .

### تلبیه

تلبیه یعنی لبیک گفتن و معنای لبیک یعنی من برای اطاعت تو ایستادگی دارم . و صورت تلبیه که برای حاجی واجب است بگوید اینست :  
(لبیک اللهم لبیک، لبیک لا

ص: 7

شریک لک لبیک (1) ان الحمد والنعمه لک والملک لا شریک لک) یعنی اجابت مینمایم خدا دعوت تورا اجابت مینمایم شریکی تورا نیست اجابت مینمایم بدرستی که حمد و نعمت اختصاص به تو دارد و پادشاهی سزاوار توست و شریکی برای تو نیست . این صورت تلبیه را در کافی ج 4 ص 335 و در تهذیب ج 5 ص 91 و ص 284 و در فقیه ج 2 ص 212 و در صحیح بخاری ج 2 ص 170 ذکر کرده اند .

و در فقیه ج 2 ص 212 از امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل کند که وقتی خداوند ندا فرمود که ای امت محمد (صلی الله علیه و آله) همه امت در صلب پدران و رحم مادران جواب عرض کردند «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک ، أن الحمد و النعمه لک والملک لا شریک لک لبیک» پس خداوند این جواب را شعار حج قرار داد .

و در فقیه ج 2 ص 143 و ص 225 و در تهذیب ج 5 ص 313 از امام هفتم علیه السلام روایت کند که هیچ حاجی نیست که تا ظهر تلبیه بگوید جز آنکه گناهانش فرو خواهد ریخت.

و در فقیه ج 2 ص 132 در ذیل حدیث از امیر المؤمنین

ص: 8

---

1- تا اینجا واجب است و ما بعد آن احوط است .

علیه السلام و در کافی ج 4 ص 337 از امام پنجم روایت کند که هر کس در حال احرام هفتاد مرتبه برای رضای خدا تلبیه بگوید خداوند هزار هزار ملک را (1) برای او شاهده میگیرد که او از آتش و از نفاق بریست .

و در فقیه ج 2 ص 131 از امام محمد باقر علیه السلام روایت کند که وقتی احرام بستی و تلبیه گفتی خداوند بنویسد برای تو در هر تلبیه ده حسنه و محو فرماید از توده گناه .

(جمع) در مزدلفه خواهد آمد

## حج

در بحار ج 99 ص 2 از امام پنجم (علیه السلام) روایت کند که چرا حج را حج نامیدند حضرت فرمود حج کرد فلانی یعنی رستگار شد. و بحسب لغت حج بمعنای قصد و کف و خود داری و آمدن و غلبه نمودن و زیاد رفت و شد نمودن است و باصطلاح فقهاء قصد کردن خانه خدا است برای انجام وظیفه مقرره .

در کافی ج 4 ص 264 و بحار ج 99 ص 9 از امام

ص: 9

---

1- در فقیه هزار ملک .

ششم روایت کند وقتی شخصی هر سال حج میرفته و یک سال موفق نشود برفتن ملائکه زمین بملائکه کوهها میگویند امسال فلانی صدایش نیاید چون او را طلب کنند و نیابند در حق او دعا کنند و عرض کنند خدایا اگر او را بده کاری مانع شده از آمدن قرض او را ادا کن و اگر مریض است شفا بده و اگر فقیر شده بی نیازش کن و اگر زندانی شده فرجی کن آنوقت همه مردم برای خودشان دعا کنند و ملائکه آن شخص را دعا کنند .

و در تهذیب ج 5 ص 441 و استبصار ج 2 ص 329 حضرت صادق علیه السلام یکی از اصحابش سلام میرساند و میفرماید چه شده ترا حج نمیکنی قرض کن و حج بجا آور.

و در کافی ج 4 ص 258 از امام ششم روایت کند که کمتر چیزیکه بحاجی داده میشود آن است که اهل و مالش محفوظ میمانند مثل آن وقتی که خودش بالای سر آنها بود.

و در کافی ج 4 ص 254 و تهذیب ج 5 ص 19 از امام پنجم روایت کند که وقتی حاجی مشغول مقدمات رفتن حج میشود بهر قدمیکه بر میدارد و میگذارد خدای عز و جل بنویسد برای او ده حسنه و محو کند از او ده گناه تا وقتی حرکت کند باز

همین طور برای او ثواب نوشته شود، تا از اعمال حج فارغ شود وقتی که از اعمالش فارغ شد گناهایش را میامرزد. و در فقیه ج 2 ص 139 نقل کند که حاجی از وقتی که از منزلش خارج میشود تا بر میگردد بمنزله کسی است که دور خانه خدا طواف میکرده.

و در فقیه ج 2 ص 143 روایت کند که حج افضل از نماز و روزه است چون نماز گذار یکساعت از اهل و عیالش روی گردان است و روزه داریک صبح تا شام ولی شخص حاجی مدتی خودش را در معرض گرما و سرما و زحمت سفر در میآورد و مال خود را صرف میکند و از اهل و عیالش غیبت طولانی مینماید بدون اینکه امید وار باشد بدست آوردن مالی و نه تجارتی را برای دنیا .

و در تهذیب ج 5 ص 21 و ص 22 و فقیه ج 2 ص 143 و وافی ج 8 ص 46 از امام هشتم صلوات الله علیه روایت کنند که حج و عمره فقر و گناهان را بر طرف سازد.

و در فقیه ج 2 ص 145 و کافی ج 4 ص 260 و تهذیب ج 5 ص 22 از امام ششم علیه السلام روایت کنند که یک حجه افضل است از هفتاد بنده آزاد کردن .

و در فقیه و کافی و تهذیب نقل کنند از امام ششم علیه

ص: 11

السلام که یک درهم در حج صرف کردن افضل است از دو هزار درهم که در راه خدا صرف کنی در غیر حج .

و در فقیه ج 2 ص 139 نقل کند که هر کس سه مرتبه حج کند هرگز فقر با او نرسد .

و در کافی ج 4 ص 259 روایت کند که ابراهیم بن میمون خدمت حضرت صادق عرض نمود یکسال من حج میکنم و یکسال شریکم حضرت فرمود چه مانع شده که همه ساله خودت حج کنی عرض کرد شغلم اجازه نمیدهد فدایت شوم ولی عوض آن پانصد (دینار یا درهم) صدقه میدهم حضرت فرمود حج افضل است عرض کرد دو هزار میدهم حضرت فرمود آیا در آن دو هزار طواف خانه میباشد؟ عرض کرد خیر فرمود آیا در آن دو هزار سعی بین صفا و مروه میباشد؟ عرض کرد خیر ، فرمود آیا در آن دو هزار وقوف بعرفه میباشد؟ عرض کرد خیر ، فرمود آیا در آن دو هزار رمی جمره میباشد؟ عرض کرد خیر فرمود آیا در آن دو هزار مناسک هست؟ عرض کرد خیر فرمود پس حج افضل است .

و در تهذیب ج 5 ص 441 واستبصار ج 2 ص 329 از امام ششم روایت کند شخصی گفت من صاحب دینم

ص: 12

و مقروض هستم آیا باز هم قرض بکنم و حج بروم حضرت فرمود بلی حج بهتر قرض را ادا میکند. مرحوم شیخ حمل کرده در صورتی که و جهش را داشته باشد که بتواند قرضش را ادا کند .

در کافی ج 4 ص 253 و فقیه ج 2 ص 140 روایت کند که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد من خودم را وادار نموده ام که هر ساله حج بروم با یکی از اقربانم را بفرستم با مال خودم حضرت فرمود چنین عزمی نموده ای عرض کرد بلی فرمود پس بشارت باد ترا بکثرت مال . یعنی مالت زیاد خواهد شد .

در کافی ج 4 ص 256 و وافی ج 8 ص 42 از امام ششم روایت کند که حاجی در ضمان خدا است اگر در حالیکه متوجه بمکه است بمیرد خدا گناهانش را بیامرزد و اگر در حال احرام بمیرد خدا او را مبعوث میکند در حالیکه تلبیه گوید باشد و اگر در حرم مکه و یا مدینه بمیرد خدا او را مبعوث میکند در حالیکه از ایمن شدگان باشد و اگر بعد از برگشتن بمیرد خدا جمیع گناهان او را بیامرزد .

و در کافی ج 4 ص 255 و تهذیب ج 5 ص 24 و وافی ج 8 ص 42 روایت کنند که حضرت صادق علیه السلام

ص: 13

فرمود حاجیان وفد خدایند (وارد شده گان بر خدا) اگر سؤال کنند از خدا خدا هم عطا خواهد کرد و اگر خدا را بخوانند جواب خواهد داد و اگر شفیع کسی شوند خدا شفاعت ایشان را قبول خواهد فرمود و اگر ساکت باشند خدا ابتداء بایشان لطف خواهد فرمود و یک درهم که صرف کرده اند خداوند هزار (و در تهذیب هزار هزار) در هم عوض خواهد

و در کافی ج 4 ص 255 و وافی ج 8 ص 47 از امام ششم روایت کند که یک درهم انفاق در حج افضل است از بیست هزار درهم که در راه حق انفاق کنی . و در تهذیب ج 5 ص 22 از امام ششم روایت کند که یک درهم در حج افضل است از دو هزار هزار درهم در راه خدا سوای حج و در فقیه ج 2 ص 145 از امام ششم (علیه السلام) روایت کند که فرمود کسی که یکدرهم در حج انفاق کند بهتر است برای او که صد هزار درهم در حق انفاق کند

و در فقیه ج 2 ص 131 امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود حج خانه خدا کن که فقر را برطرف و گناه را باطل - سازد .

ص: 14



و در فقیه ج 4 ص 298 امام ششم فرمود حج رفتن جهاد هر ضعیفست .

و در کافی ج 4 ص 255 و فقیه ج 2 ص 142 و تهذیب ج 5 ص 23 از امام پنجم و ششم علیهما السلام است که حج و عمره در بازارند از بازارهای آخرت کسی که ملازمت داشته باشد آن دورا در ضمان خدا خواهد بود اگر زنده ماند بسوی عیالش باز گرداند و اگر مرد بهشت داخل سازد .

و در تهذیب ج 5 ص 21 دارد که معاویه بن عمار خدمت حضرت صادق عرض کرد یک حج افضل است یا یک بنده آزاد کردن؟ حضرت فرمود: حج افضل است عرض کرد حج افضل است یا دوبنده آزاد کردن فرمود حج افضل است معاویه میگوید همین طور من زیاد کردم و حضرت فرمود حج افضل است تا رسیدم به سی بنده باز حضرت فرمود یک حج افضل است از سی بنده آزاد کردن .

و در کافی ج 4 ص 260 از امام ششم روایت کند که حج و عمره در بازارند از بازارهای آخرت کسی که عمل بآن دو بکند در جوار جدا خواهد بود اگر بمقصدش رسید خدا او را بیامرزد و اگر اجل مهلت نداد و در راه فوت شد اجر و مزدش بعهده خدا است .

ص: 15

و در کافی ج 4 ص 253 و تهذیب ج 5 ص 21 و وافی ج 8 ص 40 از امام ششم علیه السلام روایت کنند حج روندگان بر سه قسمت تقسیم میشوند یک قسم ایشان از آتش آزاد میشوند و یک قسم ایشان از گناه خارج میشوند مثل روزی که از مادر متولد شده اند و قسم سوم که نصیب از همه کمتر است اهل و مالش محفوظ بمانند.

و در کافی ج 4 ص 261 و وافی ج 8 ص 41 از امام صادق علیه السلام روایت کنند که حج و عمره که پی در پی آورده شود فقر و مردن بدر ارفع کند.

و در کافی ج 4 ص 252 و وافی ج 8 ص 40 امام ششم از امام چهارم روایت کند که فرمود ، حج و عمره بجا بیاورید تا بدن شما سالم بماند و رزق شما واسع شود و مؤنه عیال شما را کفایت کند و فرمود حاجی آمرزیده است و بهشت برای او واجب شده و عملش را از سر بگیرد و در اهل و مالش محفوظ باشد.

و در کافی ج 3 ص 266 و ص 505 و ج 4 ص 260 و فقیه ج 1 ص 134 و ج 2 ص 7 و ص 143 و تهذیب ج 2 ص 237 و ج 4 ص 112 و ج 5 ص 22 از امام ششم روایت کنند که آن حضرت فرمود یک حج بهتر

ص: 16

است از یک خانه که پر از طلا باشد و در راه خدا صدقه بدهند .

و در کافی ج 4 ص 253 و فقیه ج 2 ص 142 و وافى ج 8 ص 40 از امام ششم او از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کنند که ثواب حج بهشت و عمره کفاره هر گناهیست.

و در کافی ج 4 ص 260 و وافى ج 8 ص 41 از امام پنجم روایت کند که قسم بصاحب این خانه مدمن حج (که هر وقت تمکن پیدا کرد حج کند) هرگز تب و فقر باو نرسد .

و در کافی ج 2 ص 19 و وافى ج 3 ص 20 از امام پنجم روایت کند که یک حج مقبول بهتر است از بیست نماز نافله .

و در فقیه ج 2 ص 145 روایت کند که مردی خدمت رسول خدا عرض کر دیا رسول الله من مال زیادى دارم امر بفرما کارى انجام دهم که ثواب حاج داشته باشد . حضرت فرمود باین کوه ابو قبیس نگاه کن اگر مثل این را طلا در راه خدا تصدق کنی ثواب حاج را درک نخواهی کرد .

در فقیه ج 2 ص 144 و کافی ج 4 ص 317 از امام

ص: 17

ششم روایت کند که اگر هزار نفر را در حج خود شریک کنی بهر یک ثواب یک حج میدهند بدون اینکه از ثواب حج تو چیزی کم شود . پس چه خوب است که حجاج محترم بخل نکنند و تمام شیعیان را در حج خود شریک کنند .

و در فقیه ج 2 ص 140 از امام هشتم روایت کند که احدی نیست که زیاد حج کند جز آنکه خداوند بنا کند برای او بهر حجی شهری در بهشت که دارای غرفه ها باشد و در هر غرفه حورائی از حور العین باشد که با هر حوری سیصد کنیز باشد که مثل حسن و جمال ایشان را مردم ندیده باشند .

و در کافی ج 4 ص 256 و وافی ج 8 ص 42 از امام ششم روایت کند که حضرت بعدا فرمود چه مانع شده را که همه ساله حج کنی عرض کرد فدایت شوم عیال . حضرت فرمود وقتی مردی کی عیال ترا اداره کند ؟ فناعت کن بخردن سر که و زیت و هر سال آنها را حج ببر .

و در کافی ج 4 ص 252 و تهذیب ج 5 ص 23 از امام ششم او از امام پنجم روایت کند که هر کس قصد این خانه کند در حالتیکه از کبر و بزرگی خالی باشد یعنی

ص: 18

متکبر نباشد بر میگردد از حج در حالیکه گناه نداشته باشد مثل روزی که از مادر متولد شده . و مراد از کبر آن است که زیر بار حق نرود و بر اهل حق طعنه زند.

و در فقیه ج 2 ص 140 ووافی ج 8 ص 47 نقل کند که هر کس حج کند و قصدش خدا باشد نه ریاء و خوش آمد مردم یقینا خدا او را بیامزد .

و در فقیه ج 2 ص 196 از امام ششم روایت کند که هر کس با حاجیان تازه وارد معانقه کند مثل اینست که استلام حجر الأسود کرده .

و در تهذیب ج 5 ص 442 امام ششم بعیسی بن ابی منصور فرمود اگر بتوانی تان را با نمک بخوری و در هر سال حج کنی بجا آور.

و در کافی ج 4 ص 281 فرمود ای عیسی من دوست میدارم که خدا را همیشه در رفت و شد و تهیه در سفر حج ببیند .

و در تهذیب ج 5 ص 642 از پیغمبر خدا روایت کند که بیاید بر مردم زمانی که حج پادشاهان برای نزهت و خوش گذرانی باشد و حج اغنیاء برای تجارت و حج مساکین برای

گدائی .

ص: 19

و در بحار ج 99 ص 6 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که هر کس دو مرتبه حج رفته باشد همیشه در خیر و خوبی باشد تا وقتی که مرگش برسد .

ایضاً در بحار ص 9 علی بن میمون گوید مردی از حج آمد خدمت حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام حضرت فرمود از حج آمده عرض کرد بلی فرمود ثواب حج را میدانی عرض کرد خیر فرمود کسی که حج کند و طواف خانه خدا نماید و دو رکعت نماز بجا آورد خدای عزوجل بنویسد برای او هفتاد هزار حسنه ، و محو کند از او هفتاد هزار سینه و در هفتاد هزار حاجت او را شفیع گرداند و ثواب هفتاد بنده آزاد کردن با او عطا فرماید که هر بنده ای ده هزار درهم ارزش داشته باشد .

ایضاً در بحار ج 99 ص 14 ابو بصیر میگوید شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود بر شما باد بحج نمودن این خانه پس هر وقت تمکن دارید حج کنید که اگر این عمل را انجام دهید مکاره دنیا از شما دفع شود و ترسهای روز قیامت از شما بر کنار گردد .

ایضاً در بحار ص 20 منصور بن حازم گوید از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم از کسی که چهار مرتبه حج

ص: 20

رفته چه ثوابی دارد فرمودای منصور کسی که چهار بار حج رفته باشد هرگز فشار قبر بأو نرسد و چون بمیرد آن حج را خداوند بصورت نیکو در آورد و در قبر او نماز گذارد تا از قبر مبعوث گردد و ثواب آن نمازها برای او باشد و بدان که یک نماز از آن نمازها برابر هزار رکعت نماز از نمازهای مردم است که در دنیا کرده اند .

اینها بعضی از احادیثی بود که در فضیلت حج و ثواب حاجیان رسیده و اما آنچه در عقوبت تارک حج رسیده نیز بسیار است ببعض آنها اشاره می شود .

### **عقاب تارک حج**

در تهذیب ج 5 ص 17 و کافی ج 4 ص 269 از امام ششم روایت کنند اگر تاجری حج را نرود و امروز و فردا کند معذور نیست و اگر بمیرد یکی از شرایع اسلام را ترک نموده .

و در فقیه ج 4 ص 266 دارد که تارک حج اگر مستطیع باشد کافر است و کسی که حج را ترک کند و امسال و سال دیگر کند روز قیامت خداوند او را یهودی و یا نصرانی مبعوث خواهد کرد.

ص: 21

و در کافی ج 4 ص 269 و فقیه ج 2 ص 273 و تهذیب ج 5 ص 17 و ص 462 از امام ششم روایت کنند که هر کس بمیرد و بدون هیچ مانعی حجه الاسلام را ترک کند باید یا یهودی بمیرد و یا نصرانی .

و در کافی ج 4 ص 269 و تهذیب ج 5 ص 18 از امام ششم روایت کنند که هر کس بمیرد و حال آنکه بدنش سالم و مالدار باشد و حج نرفته باشد در زمره کسانی که خداوند میفرماید ما او را کور محشور میکنیم خواهد بود.

و در کافی ج 4 ص 268 و فقیه ج 2 ص 273 و بحار ج 99 ص 12 از امام ششم و هفتم یا هشتم روایت کنند که مصداق قول الله عزوجل که میفرماید هر کس در این دنیا کور است در آخرت هم کور و گمراهتر است کسانی هستند که مالدار بودند و هیچ عذری هم نداشتند (راه بسته نبوده مریض هم نبوده اند) و حج را نرفته امسال و سال دیگر کرده اند تا اجلشان رسیده .

و در بحار ج 99 ص 7 در ضمن وصایای پیغمبر است بأمیر المؤمنین که ده طائفه از این امت کافر میشوند یکی کسی که تمکن حج داشته باشد و حج نکند .

ص: 22



و در بحار ص 17 از حضرت صادق او از امیر المؤمنین صلوات الله علیهم أجمعین روایت کند که حج را ترک نکنید که اگر ترک کردید مهلت داده نخواهید شد .

و در کافی ج 4 ص 272 و فقیه ج 2 ص 259 و تهذیب ج 5 ص 441 از امام ششم روایت کنند که اگر مردم حج را ترک کنند بر والی و حاکم شرع واجب است که مردمان را اجبار برفتن کند .

و در بحار ج 99 ص 18 از امام ششم روایت کند که اگر مردمان حج را تعطیل کنند بر امام واجب است که اجبار برفتن حج کند بخوانند یا نخواهند چون وضع این خانه برای حج است .

و در ص 19 از امام صادق علیه السلام روایت کند که اگر مردمان حج را ترک کنند هر آینه عذاب بر ایشان نازل خواهد شد و مهلت داده نخواهند شد .

و در وصیت امیر المؤمنین علیه السلام است که حج خانه خدای خود را ترک نکنید که هلاک خواهید شد و کسی که حج را برای حاجتی از حاجتهای دنیا ترک کند حاجتش بر آورده نشود تا حاجیان بر گردند . الی غیر ذلک از اخباریکه در مذمت تارک حج رسیده .

ص: 23

در حدیث کافی ج 4 ص 188 دارد که خدای عز وجل حجر را از بهشت برای حضرت آدم نازل کرد .

در کافی ج 4 ص 402 و تهذیب ج 5 ص 101 از حضرت صادق علیه السلام روایت کنند که آن حضرت بمعاویه بن عمار فرمود وقتی نزدیک حجر الاسود شدی دستها را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بگو و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرست و از خدا بخواه که از تو قبول فرماید پس از آن استلام حجر کن و بیوس و اگر نتوانستی دستت را بمال و اگر آنهم نشد اشاره کن بسوی آن و بگو : « اللهم امانتی اديتها وميثاقي تعاهدته الشاهد لي بالموافاه ، اللهم تصديقاً بكتابك وعلی سنه نبيك اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وأن محمداً عبده ورسوله آمنت بالله و كفرت بالجبت والطاغوت وباللات والعزى وعباده الشيطان وعباده كل ند يدعى من دون الله » و اگر همه این دعا را نتوانستی بخوانی بعضش را بخوانم و بگو « اللهم اليك بسطت يدي وفيما عندك عظمت رغبتي

فأقبل سيحتى (1) واغفر لى وارحمنى ، اللهم انى اعوذ بك من الكفر والفقير و مواقف الخزى فى الدنيا والاخره .

و در روايت ابو بصير دارد كه چون داخل مسجد الحرام شدى برو تا نزديك حجر الأسود برسى اورا مقابل خود قرارده و بگو « الحمد لله الذى هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله سبحانه الله والحمد لله ولااله الاالله والله اكبر ، اكبر من خلقه واكبر ممن اخشى و احذرو لاله الاالله وحده لا شريك له ، له الملك وله الحمد يحيى ويميت ويميت ويحيى بيده الخير وهو على كل شىء قدير» الخ.

و در كافي ج 4 ص 430 و تهذيب ج 5 ص 144 دارد كه امام ششم فرمود چون از نماز طواف فارغ شدى برو نزد حجر الأسود و اورا ببوس و استلام كن يا اشاره بسوى او كن بدرستى كه اين لابد منه است يعنى بايد اين كار بشود .

### حجر اسماعيل (عليه السلام)

در كافي ج 4 ص 210 حضرت صادق (عليه السلام) فرمود

ص: 25

---

1- السبيحه : الذهاب فى الأرض للعباده ومنه المسيح ابن مريم .

مادر اسماعیل در حجر مدفون است .

و از تهذیب ج 5 ص 474 استفاده میشود که هر جای حجر نماز میتوان کرد .

و در کافی ج 4 ص 210 امام ششم فرمود حجرخانه اسماعیل بوده و قبر مادرش هاجر و قبر خود اسماعیل آنجاست .

و دخترهای بکر حضرت اسماعیل آنجا مدفونند .

ابو بلال مکی میگوید دیدم حضرت صادق (علیه السلام) از طرف درب خانه داخل حجر شد و در یک متری خانه بنماز ایستاد عرض کردم ندیده بودم از اهل بیت شما مقابل ناودان نماز بخواند حضرت فرمود اینجا جای نماز شبر و شبیر پسران هارون است ،

در چند حدیث دارد که بمقدار سر ناخن از خانه جزء حجر نیست لکن اسماعیل و پیغمبران در آن مدفونند .

در کافی ج 4 ص 407 و تهذیب ج 5 ص 105 روایت کند از امام ششم که چون علی بن الحسین علیهما السلام بحجر میرسید قبل از ناودان سرش را بالا- کرده و میفرمود « اللهم ادخلنی الجنة برحمتک (واو نظر بناودان میفرمود) و أجرنی برحمتک من النار وعافنی من السقم وأوسع علی

ص: 26

من الرزق الحلال وادراء عنى شر فسقه الجن والانس وشر فسقه العرب والعجم» .

## حرم

در کافی ج 4 ص 398 و تهذیب ج 5 ص 97 و فقیه ج 2 ص 132 ابان بن تغلب میگوید با حضرت صادق علیه السلام هم ردیف بودم در راه مکه چون بحرم رسید پیاده شد و غسل نمود و کفشهایش را بدو دستش گرفت و با پای برهنه داخل خانه شد و منمهم مثل حضرت کردم پس حضرت فرمود ای ابان هرکس بجا آورد آنچه را من بجا آوردم و قصدش تواضع باشد برای خدا خداوند هم از او محو کند صد هزار سیئه و گناه و بنویسد برای او صد هزار حسنه و ثواب و بنا کند برای او صد هزار درجه و بر آورد برای او صد هزار حاجت .

و در کافی ج 4 ص 258 و فقیه ج 2 ص 147 و وافی ج 8 ص 10 و ص 45 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود هر کس در حرم دفن شود از فزع و ترس بزرگ ایمن شود راوی گفت عرض کردم از مردم خوب و بد فرمود از مردم خوب و بد

و در فقیه ج 1 ص 84 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که هر کس در یکی از حرم مکه و مدینه بمیرد از

ص: 27

فزع و ترس بزرگ روز قیامت ایمن باشد

و در فقیه ج 2 ص 147 و وافی ج 8 ص 10 دارد که هر کس در یکی از حرم مکه و مدینه بمیرد خداوند او را از ایمن شده گان مبعوث فرماید و اگر بین دو حرم بمیرد دیوار اعمال او را باز نکنند .

و در فقیه ج 2 ص 338 از حضرت صادق (علیه السلام) از جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کند که هر کس در یکی از حرم های مکه و مدینه بمیرد عرضه داشته و حساب کرده نشود و جزای مهاجرین بسوی خدا بمیرد و در قیامت با اصحاب بدر محشور شود.

### حطیم

حطیم در لغت بمعنای شکستن است .

در کافی ج 4 و تهذیب ج 5 ص 451 و فقیه ج 2 ص 125 از امام ششم سؤال می شود از حطیم که چرا حطیم نامیده شده حضرت فرمود لان الناس يحطم بعضهم بعضا هناک چون مردم همدیگر را میشکنند بواسطه تنه زدن.

و در چند حدیث دارد که حطیم ما بین حجر الاسود و در دیوار کعبه واقع است .

و در کافی ج 4 ص 526 دارد که الحطیم حذاء الباب

ص: 28

و مرحوم مجلسی حذاء را بمعنای جنب گرفته ، یعنی پهلوی در.

و در فقیه ج 2 ص 135 دارد که در این مکان خداوند توبه آدم را قبول فرمود.

و در کافی ج 4 ص 525 از امام هشتم روایت کند که فرمود بهترین جاهای مسجد که نماز خوانده میشود حطیم است که ما بین حجر الأسود و درب خانه است و بعد از آن مقام ابراهیم است و بعد از آن حجر اسمائیل است و بعد از آن هر چه نزدیکتر بخانه باشد .

و در فقیه ج 2 ص 135 از امام ششم روایت کند که اگر ممکن باشد تراکه تمام نمازهای واجب و مستحب را نزد حطیم بخوانی بجای آور که آن در زمین افضل جاها است .

## حلق

در سر تراشیدن خواهد آمد

## دعای طلب حج

در بحار ج 99 ص 27 عبد الله بن فضل خدمت حضرت صادق عرض میکند من قرض زیادی دارم و عیال بارم قدرت بر حج رفتن ندارم دعائی تعلیم من کن که بخوانم حضرت و فرمود بگو بعد از هر نماز واجبی «اللهم صل علی محمد و آل محمد واقض عنی دین الدنیا و دین الاخره» عرض کرد دین دنیا

ص: 29

را فهمیدم دین آخرت کدام است فرمود دین آخرت حج است .

و در حدیث دیگر فرمود هر کس هزار مرتبه بگوید « لا حول ولا قوه الا بالله» خدای عزوجل حج را روزی او گرداند و اگر اجلش نزدیک باشد بتأخیر اندازد تا حج روزی او گردد

و در حدیث دیگر فرمود هر کس در یک دفعه هزار بار ماشاء الله بگوید در همان سال حج روزی او گردد و اگر آن سال نصیب او نشد خدا اجل او را بتأخیر اندازد تا روزی او شود .

### دعا در وقت رمی

در کافی ج 4 ص 478 و تهذیب ج 5 ص 198 از امام ششم روایت کنند که آن حضرت فرمود بگیر سنگ ریزه ها را و برو نزد جمره قصری که نزد عقبه است و از طرف روی آن پرتاب کن و از بالای آن نینداز و بگو در حالتیکه سنگریزه ها در دست توست «اللهم هؤلاء حصیاتی فأحصنهن وارفعهن.. فی عملی» پس پرتاب کن و با هر سنگی بگو «الله اکبر اللهم ادحر عنی الشیطان اللهم تصدیقاً بکتابک و علی سنه نبیا صلی الله علیه و آله اللهم اجعله حجاً مبروراً و عملاً مقبولاً

ص: 30



وسعیاً مشکوراً و ذنباً مغفوراً» و بین توو جمره ده و یا پانزده ذراع بیشتر فاصله نباشد وقتی بمنزل خود برگشتی پس بگو « اللهم بک وثقت وعلیک توکلت فنعم الرب و نعم المولی و نعم النصیر» پس از آن تو مرد مستحب است که رهی با طهر باشد یعنی با وضو .

## رکن یمانی

در کافی ج 4 ص 408 در حدیث زید شحام دارد وقتی حضرت صادق علیه السلام بر کن یمانی میرسیدند آن را در بغل می گرفتند عرض کردم فدایت شوم حجر را با دستت مسح فرمودی و رکن یمانی را در بغل گرفتی حضرت فرمود که رسول خدا فرمود هر وقت نزد رکن یمانی رفتم دیدم جبرئیل قبل از من او را در بغل گرفته .

و ایضاً در کافی ج 4 ص 408 روایت کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود خداوند ملکی را موکل رکن یمانی فرمود که برای دعاهای شما آمین میگوید و عملی جز آن ندارد.

در حدیث دیگر فرمود ملکی موکل رکن یمانی است از روزیکه خداوند آسمانها و زمینها را خلق کرده و هیچ عملی ندارد جز آنکه برای دعاهای شما آمین بگوید پس هر بنده ای

ملاحظه کند که دعای او چیست و از خدا چه می خواهد .

و در کافی ج 4 ص 409 و فقیه ج 2 ص 134 روایت کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودر کن یمانی دری است از درهای بهشت از روزی که خدا باز کرده دیگر نیسته .

و در فقیه ج 2 ص 134 و کافی ج 4 ص 409 حضرت صادق علیه السلام فرمود رکن یمانی در ما است بسوی بهشت و از او داخل میشود

و در کافی ج 4 ص 409 و تهذیب ج 5 ص 106 حضرت صادق علیه السلام فرمود رکن یمانی بر دریست از درهای بهشت و باز است برای شیعیان آل محمد و بسته است از غیر ایشان ، و هیچ مؤمنی نیست که نزد آن دعا کند جز آنکه دعایش بالا رود تا بعرش بچسبد که ما بین آن و خدا بک حجاب باشد .

و در کافی ج 4 ص 409 ابو مریم می گوید با امام باقر علیه السلام طواف می کردم در تمام طوافها حضرت رکن یمانی را استلام میکرد و میفرمود «اللهم تب علی حتی اتوب وأعصمنی حتی لا أعود» .

و در کافی ج 4 ص 404 حضرت صادق علیه السلام میفرماید استلام رکن آنست که شکمت را بآن بچسبانی .

و در کافی ج 2 ص 408 و تهذیب ج 5 ص 105 و استبصار

ص: 32

ج 2 ص 216 دارد که حضرت از پدرش روایت کند که رسول خدا استلام نمیکرد مگر رکن حجر الأسود و رکن یمانی را .

و در کافی ج 4 ص 408 و تهذیب ج 5 ص 106 و استبصار ج 2 ص 217 دارد که مردی از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال کرد که چرا این دور کن (رکن حجر و رکن یمانی) استلام میشوند و آن دور کن دیگر استلام نمیشوند حضرت فرمود چون رسول خدا این دورا استلام کردند و آندورا استلام نکردند ولی جمیل بن صالح میگوید من دیدم که حضرت صادق همه ارکان را استلام می کردند .

و در تهذیب ج 5 ص 106 و استبصار ج 2 ص 216 از امام هشتم سؤال میشود که رکن یمانی و شامی و غربی را استلام بکنم میفرماید بلی .

و در کافی ج 4 ص 406 و تهذیب ج 5 ص 102 و فقیه ج 2 ص 135 حضرت صادق علیه السلام فرمود استلام کنید رکن را که آن دست خدا است در بین مخلوقاتش مصافحه میکند با بندگان مثل مصافحه کردن بنده و یا مردان و شهادت می دهد برای کسی که او را استلام کرده بوفاداری .

و در کافی ج 4 ص 407 حضرت صادق علیه السلام فرمود بگو فیما بین رکن یمانی و حجر الأسود «ربنا آتنا

ص: 33

فی الدنيا حسنه وفى الاخره حسنه وقنا عذاب النار».

او در کافی ج 4 ص 409 حضرت صادق علیه السلام فرمود در این موضع یعنی وقتی از رکن یمانی رد شدی ملکی است که عطا شده با و شنوائی همه اهل زمین را پس هر کس صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرستد آن را پیغمبر میرساند .

### رمی

رمی یعنی سنگریزه انداختن بجمره و وقت آن چنانچه در کافی و تهذیب و استبصار است حضرت صادق میفرماید بخدا قسم از ما بین طلوع شمس است ، تا غروب آفتاب ولی در احادیث بسیار وارد شده که افضل اوقات ظهر است (و شاید جهتش آن باشد که سنیها آنوقت بنماز میروند خلوت می شود).

در کافی ج 4 ص 480 و فقیه ج 2 ص 131 و تهذیب ج 5 ص 20 امام باقر از پیغمبر صلوات الله علیهم روایت کند که وقتی رمی جمار کردی بهر سنگریزه ده حسنه برای تو ما دام العمر بنویسند.

و در فقیه ج 2 ص 138 از امام ششم روایت است که حاجی وقتی رمی جمار کرد از گناهانش پاک میشود ..

و در حدیث دیگر پیغمبر فرمود رمی جمار ذخیره روز

ص: 34

قیامت است .

و در کافی ج 4 ص 480 و فقیه ج 2 ص 138 امام ششم فرمود بهر سنگریزه که رمی می کنی یک گناه بزرگ عقاب داری از تو میریزد.

و در فقیه ج 2 ص 138 دارد که حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس رمی جمار کند بهر سنگی ، یک گناه بزرگ عقاب دار از او میریزد و وقتی مؤمن رمی کند ملکی آن را فوراً بگیرد و وقتی کافر می کند. شیطان بگوید بکونت زدی .

و در کافی ج 4 ص 481 حضرت صادق علیه السلام فرمود با هر سنگی یک الله اکبر بگو .

## زمزم

چاه زمزم در وسط مسجد الحرام معروف است و دارای چند اسم است .

در تهذیب ج 5 ص 145 حضرت صادق علیه السلام فرمود اسامی زمزم یکی رکضه جبرئیل علیه السلام است و دیگری سقیا اسماعیل است ، و حفیره عبد المطلب ، و زمزم ، و مذنونه ، و السقیا ، و طعام طعم ، و شفاء سقم .

در فقیه ج 2 ص 135 و کافی ج 6 ص 387 حضرت صادق علیه السلام فرمود آب زمزم شفاء هر چیزی است

ص: 35

که برای آن آشامیده شده .

و در حدیث دیگر فرمود هر کس مسیر آب شود از آب زمزم شفای تازه برای او باشد و دردی را از او برطرف سازد

و در حدیث دیگر فرمود رسول خدا در مدینه بودند و آب زمزم را میفرمود هدیه برای او آوردند. چنانچه در تهذیب ج 5 ص 471 و فقیه ج 2 ص 135 مذکور است .

و در کافی ج 4 ص 430 و تهذیب ج 5 ص 144 حضرت صادق علیه السلام بمعاضیه بن عمار فرمود اگر توانستی از آب زمزم بیا شامی قبل از آنکه بصفا روی بجای آور و در حین آشامیدن بگو:

اللهم اجعله علماً نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاءً من كل داء و سقم»

او در کافی ج 4 ص 531 و تهذیب ج 5 ص 280 حضرت صادق (علیه السلام) در وداع خانه فرمود پس برو نزد زمزم و از آبش بیا شام .

و در کافی ج 4 ص 430 و تهذیب ج 5 ص 144 دارد وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر بززم نمود فرمود اگر نه این بود که بر اتمم مشقت میشود از آب زمزم یک دلو بزرگ یا دو دلو میگرفتم .

ص: 36

و در تهذیب ج 5 ص 145 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود مستحب است یک دلو و با دو دلو از آب زمزم بکشی و از آن بیاشامی و بر سر و بدن بریزی و باید از دلو باشد که مقابل حجر است .

و در کافی ج 4 ص 430 و تهذیب ج 5 ص 144 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود وقتی که حاجی از طواف و نماز طواف فارغ شد باید بیاید نزد زمزم و یک دلو یا دو دلو آب بکشد و بیاشامد و بر سر و پشت و شکم خود بپاشد و بگوید «اللهم اجعله علما نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاء من کل داء و سقم» .

و در کافی ج 6 ص 389 حضرت صادق علیه السلام فرمود آب زمزم از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر بود و جاری بود پس بر آبها ظلم و تعدی نمود و با نازید پس خداوند او را از جریان باز داشت و یک چشمه از صبر (که بسیار تلخ است) بر آن جاری ساخت .

و در کافی ج 6 ص 386 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود آب زمزم بهترین آبهای روی زمین است .

در حدیث دیگر فرمود آب زمزم شفای هردرست .

در حدیث یگر فرمود آب زمزم دواء است برای هر

ص: 37

دردیکه برای آن آشامیده شده .

و در کافی ج 4 ص 250 دارد که وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از طواف و نماز فارغ شد داخل زمزم شد و از آبش آشامید و فرمود «اللهم انی اسألك علماً نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاءً من کل داء و ستم» و در وقت خواندن دعاء رو بکعبه بود .

و در کافی ج 4 ص 430 علی بن مهزیار گوید دیدم حضرت جواد علیه السلام را در شب زیارت که چون طواف نساء و نماز را پشت مقام بجا آورد داخل زمزم شد و با دست خود از دلویکه طرف حجر بود آب کشید و آشامید و بر بعضی جسد خود پاشید .

### سر تراشیدن

سر تراشیدن برای غیر حاجی در هر جمعه مستحب است چنانچه در کافی ج 6 ص 485 و فقیه ج 1 ص 71 حضرت صادق میفرماید من هر جمعه سرم را میتراشم. و اما برای حاجیان در منی اگر سفر اولش باشد اکثر فقها واجب و بعضی احوطه میدانند و احتیاط بتراشیدن است .

در کافی ج 4 ص 502 و فقیه ج 2 ص 139 از حضرت صادق علیه السلام روایت کنند که مؤمن چون در منی

ص: 38



سرشرا بتراشد و دفن کند باید در روز قیامت در حالیکه برای هر موئی زبان فصیح باشد و با اسم صاحبش تلبیه گوید.

و در فقیه ج 2 ص 139 دارد هر کس در منی سرشرا بتراشد برای او بعدد هر موئی در قیامت نوری باشد .

و در فقیه ج 2 ص 131 و تهذیب ج 5 ص 20 امام پنجم از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود وقتی سر ترا تراشیدی بعدد هر موئی حسنه برای تو نوشته شود ما دامیکه زنده ای .

در تهذیب ج 5 ص 243 رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز حدیبیه دو مرتبه فرمود خدایا پیامرز حاجیانیکه سرهای خود را تراشیده اند عرض شد تقصیر کننده گان فرمود خدایا ایشان را هم پیامرز .

## سعی

از صفا بمروه رفتن را سعی میگویند و همچنین از مروه بصفا برگشتن را می نامند.

در لغت هم سعی بمعنای راه رفتن و دویدن است و بعضی گویند بمعنای مشی سریع است یعنی تند رفتن .

در فقیه ج 2 ص 135 و وافی ج 8 ص 47 روایت

ص: 39

شده که حاجی وقتی سعی کرد بین صفا و مروه از گناهاش خارج شود .

ایضا در فقیه ج 2 ص 131 و تهذیب ج 5 ص 20 و بحار ج 99 ص 235 حضرت باقر از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که وقتی هفت مرتبه سعی کردی بین صفا و مروه برای تو نزد خدا مثل ثواب کسی است که پیاده از بلادش حج کرده باشد و مثل ثواب آزاد کردن هفتاد بنده مؤمن است .

ایضا در فقیه ج 2 ص 135 و وافی ج 8 ص 47 علی بن الحسین امام چهارم علیه السلام میفرماید کسی که سعی کند بین صفا و مروه ملائکه برای او شفاعت کنند و شفاعت ایشان هم قبول شود .

و در کافی ج 4 ص 434 از امام ششم علیه السلام است که نزد خدا هیچ بقعه محبوب تر از سعی نیست چون در آنجا هر جباری ذلیل میشود، و قرار داد سعی هم برای آن است که ذلیل کننده جباران است .

## طواف

طواف یعنی دور زدن و اینجا مراد دورخانه خدا گشتن

ص: 40

است از رکنی که حجر الاسود هست ابتدا میکند و خانه را در طرف چپ قرار میدهد و بهمین رکن ختم میکند این یک شوط حساب میشود وقتی هفت مرتبه دور زد یک طواف کامل میشود .

در فقیه ج 2 ص 134 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که خدای عزوجل را در اطراف کعبه صد و بیست رحمت است شصت از آن مال طواف کنندگان و چهل از آن مال نماز گذاران و بیست از آن مال نظر کنندگان است.

در حدیث دیگر فرمود کسی که طواف خانه کند از گناهانش خارج شود.

و در فقیه ج 2 ص 131 فرمود وقتی هفت مرتبه دور خانه طواف کردی برای تو نزد خدا عهد و ذکری خواهد بود که حیا کند پروردگار ترا عذاب کند .

ایضا در فقیه ج 2 ص 133 و کافی ج 4 ص 411 علی بن الحسین (علیه السلام) فرمود کسی که حج کند پس هفت مرتبه طواف نماید و دو رکعت نماز بخواند بنویسد خداوند برای او هفتاد هزار حسنه و محو کند از او هفتاد هزار گناه و بالا برد برای او هفتاد هزار درجه و او را شفیع کند در هفتاد هزار حاجت و بنویسد برای او ثواب آزاد کردن

ص: 41

هفتاد هزار بنده که قیمت هر یک ده هزار درهم باشد .

و در کافی ج 2 ص 194 و ج 4 ص 411 اسحاق ابن عمار از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که آن حضرت فرمود کسی یک طواف دور این خانه بنماید بنویسد خدای عزوجل برای او شش هزار حسنه و محو سازد از او شش هزار سیئه و بالا برد برای او شش هزار درجه تا وقتی که بملتزم برسد (پشت کعبه مقابل درب کعبه) باز کند برای او هفت در از درهای بهشت، اسحاق بن عمار گوید : فدایت شوم تمام این فضیلت مال طواف است فرمود بلی ولی میخواهی ترا خبر بدهم بچیز یکه افضل از این باشد؟! قضاء حاجت مسلمان افضل است از طواف و طواف و طواف تا ده طواف شماره فرمود.

و نیز در همان صفحه ابان بن تغلب گوید شنیدم که حضرت صادق علیه السلام فرمود کسی که هفت دور دور خانه طواف کند خدای عزوجل بنویسد برای او شش هزار حسنه و محو کند از او شش هزار سیئه و بالا برد برای او شش هزار درجه پس از آن فرمود قضاء حاجت مؤمن افضل است از طواف و طواف تا ده طواف شمرد.

و در کافی ج 4 ص 211 اسحاق بن عمار از حضرت

ص: 42

صادق او از پدرش روایت کند که هر کس هفت دور باین شنانه طواف کند و دو رکعت نماز در هر جای مسجد که بخواهد بجا آورد خداوند بنویسد برای او شش هزار حسنه و محو نماید از او شش هزار سیئه و بالا برد برای او شش هزار درجه و بر آورد برای او شش هزار حاجت پس آنچه از این ثوابها را نقد بدهد پس برحمت خدا بوده و آنچه را عقب اندازد برای آن است که بنده شوق در خواست از خدا داشته باشد.

در کافی ج 4 ص 412 و وافى ج 8 ص 129 از امام هفتم او از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود هیچ طواف کننده نیست که دور این خانه طواف کند در وقت زوال شمس با سر و پای برهنه و قدمها را نزدیک هم گذارد و چشم بر هم نهد و بدون اینکه احدی را اذیت کند در هر طوافی استلام حجر نماید و ذکر خدا را از زبانش قطع نکند جز آنکه بنویسد خدای عزوجل برای او بهر قدمی که بر میدارد هفتاد هزار حسنه و محو کند از او هفتاد هزار سیئه و بالا برد برای او هفتاد هزار درجه و آزاد کند از او هفتاد هزار بنده که قیمت هر کدام

ص: 43

ده هزار درهم باشد و شفیع قرار دهد او را در هفتاد نفر از اهل بیتش و بر آورد برای او هفتاد هزار حاجت اگر بخواهد زود باو داده شود و اگر بخواهد دور: (یعنی این بسته بخواست خدا است هر کدام را برای بنده اش صلاح بدانند انجام میدهد).

## عرفه

در فقیه ج 2 ص 127 فرمود عرفه را عرفه نامیدند برای آنکه جبرئیل علیه السلام حضرت ابراهیم علیه السلام عرض کرد در اینجا اعتراف بگناه خود کن و مناسک خود را بشناس از این جهت عرفه گفتند .

و در فقیه ج 2 ص 131 فرمود وقتی وقوف نمودی در عرفات تا غروب آفتاب اگر گناهان تو بمقدار رمل عالج(1) و کف دریا باشد هر آینه خدا ترا میامرزد .

ایضاً در فقیه ج 2 ص 136 فرمود حاجی وقتی وقوف بعرفات کند از گناهانش خارج شود .

ص: 44

---

1- در مجمع البحرین گوید: رمل عالج کوههاییست متصل بهم بالای آن متصل بالدهناء که نزدیک یمامه است و پائین آن متصل بنجد است الخ. البته در حدیث کنایه از بسیاری گناه است .

و در کافی ج 4 ص 262 و فقیه ج 2 ص 136 حضرت باقر علیه السلام فرمود احدی وقوف بر این کوهها نکند چه خوب باشد و چه بد جز آنکه خداوندا اجابت کند دعای او را، نسبت به خوبان در دنیا و آخرت و نسبت بیدان در دنیا فقط .

و حضرت صادق علیه السلام فرمود هیچ شخصی از شهری نیست که وقوف بعرفه کند از مؤمنین جز آنکه خدا مؤمنین آن شهر را بیمارزد و اگر از اهل خانه ای باشد خداوند مؤمنین آن خانه را بیمارزد . و حضرت باقر علیه السلام روز عرفه هیچ سائلی را رد نمیکرد.

و در کافی ج 4 ص 256 حضرت رضا علیه السلام فرمود احدی باین کوهها وقوف نکند جز آنکه خداوند اجابت کند او را، مؤمنین را نسبت بآخر تشان و کفار را نسبت بدنیا شان .

و در کافی ج 4 ص 261 دارد که روز عرفه روزیست که خدای عز وجل بملائکه مباحثات کند پس اگر با گناهانیکه مقدار رمل عالجم و قطرات آسمان و عدد روزهای عالم

ص: 45

است در این روز حاضر شوی آنها آمرزیده شود .

و در فقیه ج 2 ص 137 دارد که علی بن الحسین علیهما السلام در روز عرفه شنیدسائلی از مردم سؤال میکند باو فرمود وای بر تو از غیر خدا در این روز سؤال میکنی و حال آنکه امروز امید می رود بچه های در شکم زنان آبستن مورد توجه خدا گردند و سعادت مند شوند.

## عمره

عمره در لغت بمعنای زیارت است و در شرع مقدس زیارت خانه خدا است بایک شرایط مخصوصی که در مناسک مراجع مفصلاً ذکر شده . و غرض ما در این کتاب ذکر ثواب آن است .

در کافی ج 4 ص 253 و فقیه ج 2 ص 142 و وافی ج 8 ص 40 امام ششم از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کند که عمره کفاره هر گناهیست .

و در فقیه ج 2 ص 142 از امام هشتم صلوات الله علیه روایت کند که فرمود عمره تا عمره دیگر کفاره گناهانیست که در ما بین واقع شده .

و در کافی ج 4 ص 255 و فقیه ج 2 ص 142 و تهذیب

ص: 46



ج 5 ص 23 ووافی ج 8 ص 42 از امام پنجم و ششم روایت کنند که حج و عمره در بازارند از بازارهای آخرت کسی ملازم آن دو بازار باشد در ضمان خدا خواهد بود اگر زنده اش گذارد بعیالاتش رساند و اگر بمیراند در بهشتش داخل نماید.

و در کافی ج 4 ص 260 از امام ششم روایت کند حج و عمره در بازارند از بازارهای آخرت عامل بآنها در جوار خدا خواهد بود اگر بآرزویش رسید خدا بیامرزدهش و اگر اجل مهلت نداد اجر و مزدش بر خدا خواهد بود.

و در تهذیب ج 5 ص 21 و ص 22 و فقیه ج 2 ص 144 و وافی ج 8 ص 46 از امام ششم روایت کنند که حج و عمره فقر و گناه را برطرف سازند چنانچه دم حدادان کثافات کوره را بر طرف سازد.

و در کافی ج 4 ص 536 و فقیه ج 2 ص 142 و وافی ج 8 ص 40 از امام ششم روایت کنند که عمره رجب افضل عمره ها است.

در فقیه ج 2 ص 276 معاویه بن عمار از امام ششم سؤال میکند که کدام عمره افضل است عمره ماه رجب یا عمره ماه رمضان فرمود عمره رجب افضل است.

ص: 47

و در فقیه ج 2 ص 278 و کافی ج 4 ص 534 و تهذیب ج 5 ص 43 و استبصار ج 2 ص 326 از امام هفتم روایت کنند که در هر ماهی عمره جایز است راوی عرض کرد آیا کمتر از یک ماه هم می شود فرمود برای هر ده روزی عمره است.

البته معلوم باشد که بین فقهای شیعه اختلاف است که آیا فاصله بین دو عمره چقدر باید باشد.

از سید مرتضی و ابن ادریس و محقق و جمع دیگر حکایت شده که هیچ فاصله اعتبار ندارد بنا بر اینکه اخبار محدوده را حمل بر تأکد استحباب بکنیم چنانچه از مرحوم مجلسی نقل شده .

و از ابن عقیل حکایت شده در هر سال یک عمره بیشتر جایز نیست بدلیل حدیث حلبی که امام صادق (علیه السلام) فرمود (والعمره فی کل سنه مره) و حدیث زراره که امام باقر (علیه السلام) فرمود (لا یكون عمرتان فی سنه) ولی مرحوم شیخ در تهذیب ج 5 ص 535 و استبصار ج 2 ص 326 فرموده (لا تكون فی السنه عمرتان یتمتع بهما إلى الحج فاما العمره المبتوله (أی المنفردة عن الخ) التي لا یتمتع بها

ص: 48

الی الحج فہمی جایزہ فی کل شہر بل فی کل عشرہ آیام).

و از شیخ در مبسوطش حکایت شده کہ فاصلہ ما بین دو عمرہ دہ روز است چنانچہ از تہذیب و استبصار ہم ظاہر شد

و از ابو الصلاح و ابن حمزہ و محقق در نافع و علامہ در مختلف حکایت شدہ کہ فاصلہ باید یک ماہ باشد پس باید حجاج محترم ہر کدام بمقلد خود رجوع کنند در تعیین وظیفہ و نمیتوانند ہر روز یک عمرہ بجا بیاورند مگر باذن مقلدشان چون فتاوی مثل ادلہ مختلف است .

البتہ در این چند سطر از وضع کتاب خارج شدیم معذرت میخواہم .

### قربانی

در فقیہ ج 2 ص 131 و تہذیب ج 5 ص 20 از امام پنجم از رسول خداصلی اللہ علیہ و آلہ روایت کند کہ وقتی قربانی خود را سر بریدنی بہر قطرہ خونی کہ از آن میریزد خداوند برای تو یک حسنہ بنوسید مادام کہ زندہ باشی .

### دعاء قربانی

در کافی ج 4 ص 297 و فقیہ ج 2 ص 299 در روایت

ص: 49

حلبی این دعاء را دارد (و جهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً ، اللهم منک ولک)

و در کافی ج 4 ص 498 و فقیه ج 2 ص 299 و تهذیب ج 5 ص 221 در حدیث صفوان وابن ابی عمیر حضرت صادق (علیه السلام) فرمود وقتی قربانی خود را خریدی و بقیله اش کن اگر شتر است تحرش کن و اگر غیر آن است ذبحش نما و بگو «وجهت وجهی للذی فطر السموات والأرض حنیفاً وما أنا من المشرکین ، أن صلوتی ونسکی ومحیایی ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک أمرت وانا من المسلمین ، اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر اللهم تقبل منی».

و پس از آن چاقورا بکش و ذبحش کن ولی چاقورا بمغز حرام نرسان (شاید کنایه از جدا نکردن سر باشد تا

حیوان جان دادنش تمام شود) تا حیوان بمیرد .

و در کافی ج 4 ص 498 و تهذیب ج 5 ص 221 ابوخلدیجه میگوید دیدم حضرت صادق (علیه السلام) را در حالیکه شتر خود را نحر میفرمود دست چپ آن را بسته و در جانب دست راست آن ایستاده و میفرمود «بسم الله و الله اکبر ، اللهم هذا منک ولک اللهم تقبله منی» الخ.

ص: 50

در فقیه ج 2 ص 124 از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کند که کعبه را که به گفتند چون در وسط دنیا است

و در حدیث دیگر فرمودند کعبه را کعبه گفتند چون چهار گوشه است برای آنکه در مقابل بیت المعمور واقع شده و بیت المعمور مربع و چهار گوشه است. و چرا بیت المعمور چهار گوشه است برای آنکه در مقابل عرش واقع شده و آن مربع است و چرا عرش مربع است برای اینکه کلماتیکه اسلام بر آن بنا شده چهار است.

و آن چهار کلمه: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر است.

و در فقیه ج 2 ص 132 فرمود کسیکه نظر بکعبه کند در حالیکه حق آن را بشناسد خداوند گناهان او را بیامرزد و مهم او را کفایت فرماید.

و در کافی ج 4 ص 241 و فقیه ج 2 ص 132 و وافی ج 8 ص 9 از حضرت صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود هر کس از روی معرفت نگاه بکعبه کند و بشناسد حق ما را و حرمت ما را چنانچه حق و حرمت

ص: 51

کعبه را شناخته خداوند گناهایش را بیامرزد و مهم دنیا و آخرتش را کفایت نماید .

و در کافی ج 4 ص 240 و فقیه ج 2 ص 132 و وافى ج 8 ص 9 از حضرت صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود هر کس نگاه بکعبه کند دائما برای او حسنه نوشته شود و گناهش محو گردد تا وقتیکه نظرش را از کعبه بگرداند . پس حجاج محترم این چند روزی را که آنجا مشرف هستند غفلت از این فیض بزرگ ننمایند و همیشه نظرشان بخانه خدا باشد .

و در کافی ج 4 ص 240 و فقیه ج 2 ص 132 و وافى ج 8 ص 9 حضرت صادق علیه السلام فرمود نگاه نمودن بکعبه عبادت است الخ.

در ذیل همان حدیث فرمود هر کس نگاه بکعبه کند یک حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو گردد و در کافی ج 4 ص 240 و وافى ج 8 ص 9 از حضرت صادق علیه السلام روایت کنند که برای کعبه در هر روزی لحظه است که بیامرزد کسی را که بان طواف کند و یا دلش مشتاق آن گردد و یا عذری مانع تشریف او شده باشد .

و در فقیه ج 2 ص 134 و کافی ج 4 ص 240 و وافى

ص: 52

ج 8 ص 9 حضرت صادق علیه السلام فرمود برای خدای عزوجل اطراف کعبه صد و بیست رحمت است شصت از آن مال طواف کننده گان است و چهل مال نماز گذارنده گان است و بیست مال نظر کننده گان .

و در کافی ج 4 ص 527 و فقیه ج 2 ص 133 و تهذیب ج 5 ص 275 امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کند که داخل شدن در کعبه دخول در رحمت خدا است و خارج شدن از آن خارج شدن از گناه است نسبت بزمان آینده معصوم (یعنی از گناه جلوگیری شود) و نسبت بزمان گذشته آمرزیده است .

و در فقیه ج 2 ص 133 روایت کند که هر کس با سکینه و وقار داخل کعبه شود از روی تکبر و تجبر هم نباشد آمرزیده خواهد بود .

و در فقیه ج 2 ص 157 و ص 278 روایت کند که خدای تبارک و تعالی خلق نفرمود روی زمین بقعه را که محبوبتر باشد از کعبه .

و در حدیث دیگر حضرت صادق فرمود خداوند از هر چیزی یک چیز را برگزید و از زمین کعبه را برگزید .

و در فقیه ج 2 ص 156 از حضرت باقر علیه السلام:

ص: 53

است که اول بقعه ای که خداوند خلق فرموده از زمین کعبه بوده .

و در حدیث حضرت صادق (علیه السلام) است که دحو الأرض که پهن شدن زمین باشد از زیر کعبه بوده تا منی و از منی تا عرفات و از عرفات بمنی پس زمین از عرفات است و عرفات از منی و منی از کعبه الخ .

و در فقیه ج 2 ص 158 دارد که کعبه در زمان فتره بین حضرت عیسی و محمد صلوات الله علیهما شکایت نمود بخدا از کمی زوار خدای عزوجل و وحی فرمود بار که من نور تازه بر مردمی نازل خواهم کرد که ایشان مشتاق تو باشند چنانچه حیوانات مشتاق اولادشان میباشند و بسوی تو با زینت بیایند چنانچه زنان با زینت نزد شوهران میروند یعنی امت محمد (صلی الله علیه و آله).

و در کافی ج 4 ص 527 و تهذیب ج 5 ص 275 حضرت باقر علیه السلام از پدرش روایت کند که کسی که داخل کعبه شود داخل شده در حالیکه خدا از او راضی است و خارج شده در حالیکه از گناه خالیست..

و در کافی ج 4 ص 528 و تهذیب ج 5 ص 276 از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کند که فرمود هر وقت خواستی

ص: 54



داخل كعبه بشوی غسل كن قبل از داخل شدن و با كفش داخل مشو و بگو چون داخل شدی «اللهم انك قلت ومن دخله كان آمناً فأمنى من عذاب النار» پس دو ركعت نماز گذار بين دو ستون روی سنگ سرخ در ركعت اول خم سجده بخوان و در دوم مقدار عدد آیات آن از قرآن تلاوت نما و در چهار گوشه خانه نماز كن و بگو: «اللهم من تهياً أو تعباً أو أهد أو استعد لوفاده الی مخلوق رجاء رقهه و جائزته و نوافله و فواضله فاليك يا سیدی تهیّتی واعدادی و استعدادی رجاء رفدك و نوافلك و جائزتك فلا تخيب اليوم رجائی يا من لا يخيب عليه سائل ولا ينقصه نائل فانی لم آتک اليوم بعمل صالح قدمته ولا شفاعة مخلوق رجوته ولكنی آتیک مقراً بالظلم والاساءه علی نفسی فانه لاحجه لی ولا عذرفأسألك يا من هو كذلك أن تعطیني مسألتی و تقیلني عشرتی و تقبلني برغبتي ولا تردني مجبوهاً ممنوعاً ولا خائباً يا عظیم يا عظیم عظیم أرجوک للعظیم أسألك يا عظیم أن تغفر لی الذنب العظیم ، لا اله الا أنت».

## مازمین

هر جاده تنگی که بین دو کوه باشد آن را مازم میگویند پس مازمین یعنی دوراه و یا دو دره تنگ که بین

ص: 55

دو کوه باشد .

قال فی المراد المأزمان تشبیه مأزم، وهو شعب ضیق بین جبلین، یفضی آخره الی بطن عرفه فیه یدفع من عرفه الی المزدلفه .

وقال فی الصحاح: المأزم من (أزم) کل طریق ضیق بین جبلین ومنه سمی الموضع الذی بین المشعر و بین عرفه مأزمین .

و در فقیه ج 4 ص 154 سلیمان بن مهران از حضرت صادق (علیه السلام) پرسید چند مرتبه رسول خدا حج نمود فرمود بیست مرتبه مخفیانه حج کرد و هر مرتبه عبور فرمود بما زمین و پیاده شد و بول کرد عرض کرد چرا آنجا پیاده میشد و بول مینمود فرمود برای آنکه آنجا جائیست که بتها آنجا عبادت شدند و بت بزرگ که هبل نام داشت و حضرت علی (علیه السلام) روی دوش پیغمبر رفت و از پشت بام کعبه بزیر انداخت سنگش از اینجا بود .

در چند حدیث دیگر دارد که هر وقت رسول خدا حج مینمود عبور از مأزمین میکرد و آنجا پیاده شده بول میفرمود.

ص: 56

متعوذ یعنی جای پناهنده شدن و آن پشت کعبه واقع شده نزدیک رکن یمانی که مستجار و ملتزم هم گفته شده

در کافی ج 4 ص 610 و تهذیب ج 5 ص 107 حضرت صادق علیه السلام فرمود وقتی در طواف هفتم شدی بر و نزد متعوذ و آن وقتی که پشت کعبه بایستی مقابل در خانه است و بگو « اللهم البيت بيتك والعيد عبدك وهذا مقام العائذ بك من النار ، اللهم من قبلک الروح والفرج» پس رکن یمانی را استلام کن (بوس و یا اشاره کن) پس برو نزد حجر الأسود و طواف را ختم کن.

## محسر

در وادی محسر خواهد آمد

مزدلفه) مزدلفه و جمع و مشعر الحرام اسم است برای یک مکان .

در کافی ج 4 ص 472 و تهذیب ج 5 ص 293 و استبصار ج 2 ص 306 دارد که مشعر از مزدلفه و مزدلفه از مشعر است.

و در مجمع گوید مزدلفه اسم فاعل از دلایف است

ص: 57

بمعنای تقدم است (تقول از دلف القوم اذا تقدموا وهي موضع يتقدم الناس فيه الى منى وقيل لأنه يتقرب فيها الى الله أو لمجيبىء الناس اليها فى زلف من الليل أو من الازدلاف الاجتماع لاجتماع الناس فيها أو لأزدلاف آدم الى حوا واجتماعه معها ولذا سمي جمعاً).

در تهذيب ج 5 ص 191 حضرت باقر (عليه السلام) ميفرمايد حد مزدلفه ما بين مازمين (1) تا كوه و تا حياض محسر است (2).

و در كافي ج 4 ص 471 حضرت صادق (عليه السلام) فرمود حد مزدلفه از محسر است تا مازمين .

و در كافي ج 4 ص 468 و تهذيب ج 5 ص 188 از حضرت صادق عليه السلام روايت كنند كه فرمود نماز مغرب را نخوان تا بيائى به جمع (يعنى مزدلفه و مشعر) آنوقت نماز مغرب و عشارا بيبك اذان و دو اقامه بخوان و در طرف دست راست جاده نزديك بمشعر پياده شود و مستحب است براى كسانيكه سفر اولشان ميباشد و قوف بمشعر الحرام كنند و پا بر آن وادى بمالند و از حوضهاى وادى محسر

ص: 58

---

1- مازمين چنانچه گذشت : يعنى دو دره تنگى .

2- محسر در وادى محسر خواهد آمد.

تجاوز نکنند در شب مزدلفه و این دعا بخوانند «اللهم هذه جمع ، اللهم انى اسالك أن تجمع لى فيها جوامع الخير اللهم لا تويسنى من الخير الذى سألتك أن تجمع لى فى قلبى واطلب اليك ان تعرفنى ما عرفت اولياءك فى منزلى هذا وان تقينى جوامع الشر ،) و اگر بتوانی این شب را احیا بداری بجا آور بجهت آنکه بما رسیده که درهای آسمان بسته نمی شود در این شب برای صدای مؤمنین ، برای ایشان زمزمه است مثل زنبور عسل خدای عز وجل میفرماید من پروردگار شمایم و شما بندگان منید شما حق مرا ادا نمودید و سزاوار است که منم دعاهای شما را مستجاب کنم پس در این شب میریزد گناه کسی را که بخواند گناهِش ریخته شود و بیامزد گناه کسی را که بخواند آمرزیده شود.

و در کافی ج 4 ص 469 و تهذیب ج 5 ص 191 حضرت صادق علیه السلام بمعاویه بن عمار فرمود صبح کن در حالیکه با طهارت باشی بعد از آنکه نماز صبح را خواندی و وقوف کن اگر خواستی در نزدیکی کوه و اگر نه هر جا که خواستی پس وقتی که وقوف نمودی حمد و ثنای خدا بگو و نعمتهای خدا را هر مقدار که

ص: 59

بتوانی بیاد آور و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرست و البته از جمله گفتار تو این دعا باشد (اللهم رب المشعر الحرام فك رقتی من النار واوسع علی من رزقك الحلال وادء عنی شر فسقه الجن والانس، اللهم أنت خیر مطلوب الیه وخیر مدعو وخیر مسؤول ولكل وافد جائزه فاجعل جائزتی فی موطنی هذا أن تقیلنی عثرتی وتقبل معذرتی وان تجاوز عن خطیئتی ثم اجعل التقوی من الدنیا زادی) پس از آن کوچ کن وقتی که هوا روشن شد از کوه ثبیر که بین مکه و منی است و مقداریکه شتر جای پای خود را ببند .

و در کافی ج 4 ص 225 از حضرت باقر علیه السلام روایت کند که فرمود جانوران مزدلفه از همه بلاد بیشتر ند وقتی شب ترویبه شد از طرف خدای متعال منادی ندا کند که ای جانوران کوچ کنید از وفد خدا (یعنی از زواران خدا) پس همه بکوهها روند و چون حجاج بروند آنها هم برگردند بجای خود .

## مستجار

مستجار یعنی جای پناهنده شدن که پشت کعبه واقع است و متعوذ و ملتزم هم گفته شده .

ص: 60

در تهذیب ج 5 ص 104 از حضرت صادق (علیه السلام) در ذیل حدیثی روایت کند که چون بمؤخر کعبه رسیدی و آنجا مستجار است اندکی برکن یمانی مانده در طواف هفتم دستهای خود را روی زمین پهن کن و صورت و شکم خود را بخانه بچسبان پس از آن بگو «اللهم البیت بیتک والعبد عبدک وهذا مکان العائد بک من النار» پس از آن اقرار کن برای خدای خود بآنچه از گناهان مرتکب شده ای پس هیچ بنده مؤمنی نیست که در آنجا اقرار بگناهان خود کند مگر آنکه آمرزیده شود ان شاء الله الخبر .

و در کافی ج 4 ص 411 و تهذیب ج 5 ص 107 حضرت صادق (علیه السلام) بمعاونیه بن عمار میفرماید چون از طواف خود فارغ شدی و پشت کعبه رسیدی و پشت کعبه پهلوی مستجار است کمی برکن یمانی مانده - دستها را بگذار بر خانه و شکم و صورت خود را بچسبان بخانه و بگو «اللهم البیت بیتک والعبد عبدک وهذا مکان العائد بک من النار» پس اقرار کن برای پروردگار خود بآنچه عمل کرده ای که هیچ بنده مؤمنی نیست که اقرار کند بگناهان خود جز آنکه خدا او را بیامرزد انشاء الله

ص: 61

و بگو: «اللهم من قبلک الروح والفرج والعافیه ، اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه لی و اغفر لی ما اطلعت علیه منی و خفی علی خلقک»  
پس پناه ببر بخدا از آتش و هر دعائیکه میخواهی برای خود اختیار کن پس رکن یمانی را استلام کن و برو نزد حجر الأسود .

از این دو حدیث معلوم شد که مستجار پشت کعبه نزدیک برکن یمانی واقع است و در مناسک آیه الله شاهرودی ص 52 چاپ سنه 1387  
و مناسک آیه الله خوئی ص 158 چاپ پنجم و مناسک آیه الله گلپایگانی ص 71 چاپ پنجم برای مستجار همین مکان را معرفی فرموده  
اند. ولی در بعض احادیث مستجار را بین حجر الأسود و درب کعبه معرفی نموده اند .

چنانچه در کافی ج 4 ص 532 حدیث چهارم ابو اسماعیل خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض می کند فدایت شوم من دارم خارج  
میشوم از کجای خانه وداع کنم فرمود برو نزد مستجار که بین حجر و درب کعبه واقع است پس از آنجا وداع کن الخبر . (ولی ممکن است  
مراد از مستجار در این حدیث معنای لغوی باشد که همان حطیم باشد نه مستجار اصطلاحی که فقهاء بحسب دو حدیث قبل معرفی  
نموده اند).

ص: 62



در فقیه ج 2 ص 135 از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کند که فرمود هر کس یک نماز در مسجد الحرام بخواند خدای عزوجل تمام نمازهایی را که خوانده و میخواند قبول فرمائید و یک نماز در این مسجد صد هزار حساب میشود .

و در کافی ج 4 ص 526 و وافى ج 8 ص 10 در دو حدیث از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کند که فرمود یک نماز در مسجد الحرام معادل صد هزار نماز است .

و در کافی ج 4 ص 526 و وافى ج 8 ص 10 از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کند که فرمود زیاد نماز بگذارید و دعا کنید در این مسجد چون برای هر بنده رزق مقدر پست بسوی او جمع خواهد شد (یعنی فکر شما در این مسجد دعا و نماز باشد نه طلب رزق) .

و در کافی ج 4 ص 401 و تهذیب ج 5 ص 99 از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کند که فرمود وقتی داخل مسجد الحرام میشوی با پای برهنه و سکینه و وقار و خشوع باش و فرمود هر کس با خشوع داخل مسجد الحرام بشود خدا بیامرزد او را ان شاء الله . معاویه بن

عمار که راوی حدیث است عرض میکند خشوع چیست فرمود سکینه است باید داخل نشوی با تکبر پس وقتی بدر مسجد رسیدی بایست و بگو (السلام علیک ایها النبی ورحمه الله وبرکاته بسم الله و بالله و من الله و ما شاء الله والسلام علی انبیاء الله ورسله والسلام علی رسول الله والسلام علی ابراهیم و الحمد لله رب العالمین) پس چون داخل مسجد شوی دستها را بالا کن و رو بخانه بایست و بگو «اللهم انی اسالک فی مقامی هذا فی اول مناسکی أن تقبل توبتی وان تجاوز عن خطیئتی وتضع عنی وزری ، الحمد لله الذی بلغنی بیته الحرام ، اللهم انی اشهد ان هذا بیتک الحرام الذی جعلته مثابه للناس و أمنا مبارکا وهدی للعالمین، اللهم انی عبدک والبلد بلدک والبیته الحرام ، جئت اطلب رحمتک وأوم طاعتک، مطیعاً لأمرک ، راضیا بقدرک، اسألك مسأله المضطر الیک الخائف لعقوبتک ، اللهم افتح لی أبواب رحمتک واستعملنی بطاعتک ومرضاتک) .

دعای دیگری هم هست رجوع شود بمناسک های عملی .

و در فقیه ج 1 ص 147 و وافی ج 8 ص 10 از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کند که

ص: 64

هر کس یک نماز واجب در مسجد الحرام بخواند خداوند بواسطه آن قبول فرماید از او هر نمازی که از اول تکلیفش خوانده و هر نمازیکه بعدا بخواند تا زنده است .

او در کافی ج 4 ص 527 و وافى ج 8 ص 10 از امام رضا علیه السلام سؤال شد که شخصی نماز را در مکه در منزلش با جماعت بخواند افضل است یا تنها در مسجد الحرام بخواند حضرت فرمود تنها در مسجد الحرام بخواند افضل است .

پس حجاج محترم این چند روزی را که مکه مشرف هستند از این فیض بزرگ غفلت نفرمایند و نمازهای خود را در مسجد الحرام بجا آورند و شاید سر اینکه نماز تنها را در مسجد الحرام افضل دانسته اند از جماعت با اینکه اگر جماعت از ده نفر تجاوز کرد ثوابش را غیر از خدا کسی نداند آن باشد که چون سنیها شیعه را تارک صلاه و بلکه مشرک و بلکه کافر میدانند اگر شیعه ها در مسجد الحرام نماز بخوانند قهر او عملا عقیده ایشان را تکذیب کرده اند آنها دیگر اعتراضی نمیتواند از این ناحیه بنمایند .

یادم نمیرود سال گذشته که مشرف بودم مقابل ناودان با جماعت ایشان نماز خواندم بعد از نماز عشا پیر مردی با یک حال دل خراشی نزد حقیر آمد و سؤال کرد که عربی

ص: 65

میدانی عرض کردم خیلی کم اعتراض کرد که چرا یاد نگرفته ای عرض کردم چون حافظه و استعداد ندارم گفت چرا این مردم ایران اول وقت نماز که میشود از مسجد الحرام و جماعت مسلمین خارج میشوند و بنماز حاضر نمیشوند دیدم اعتراضش بجا است .

با اینکه آن همه اخبار و احادیث از امامان ما رسیده که با ایشان در ظاهر نماز بخوانید و تشییع جنازه شان بروید و عیادت مریضهای ایشان کنید تا بگویند خدا رحمت کند جعفر بن محمد را چه شیعه های خوب تربیت کرده ولی بهیچ یک از دستورات امامها ما عمل نکردیم و حفظ ظاهر نمودیم تا باین روزها افتادیم .

برای تشویق حجاج محترم چند حدیث ذکر میکنم که در مکه و مدینه نماز جماعت را با مسلمانها ترک نکنند.

### **نماز با سنیها**

در فقیه ج 1 ص 265 و ص 358 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود زمانیکه با ایشان نماز بخوانی بعدی مخالفین از گناهان تو آمرزیده شود .

و در کافی ج 3 ص 379 و تهذیب ج 3 ص 270 از امام ششم روایت کنند که راوی عرض کرد من نماز میخوانم پس از آن داخل مسجد میشوم میبینم نماز جماعت

ص: 66

برپا شده حضرت فرمود با ایشان نماز بخوان خدا اختیار میکند از دو نماز هر کدام را دوستر است بسوی او .

در فقیه ج 1 ص 250 دارد که احدی نیست از شماها که نماز واجبش را در وقتش بخواند پس از آن با ایشان نماز بخواند تقیه و با وضوء هم باشد جز آنکه خداوند بنویسد برای او بواسطه آن نمازی که با ایشان خوانده ثواب بیست و پنج درجه پس رغبت جوئید در این کار .

و در تهذیب ج 3 ص 273 از امام هفتم روایت کند که فرمود کسی که با همسایه سنی اش نماز بخواند خداوند بنویسد برای او مثل مزد کسی را که پشت سر رسول خدا نماز خوانده و وقتی داخل نماز ایشان میشود گناهانش با ایشان میماند و با ثواب آنها از مسجد خارج میشود .

و در کافی ج 3 ص 280 و تهذیب ج 3 ص 270 و فقیه ج 1 ص 265 از امام ششم روایت کنند که هر کس در منزلش نماز بخواند پس بیاید و در یکی از مساجد ایشان و با ایشان نماز بخواند با ثوابهای ایشان از مسجد خارج شود .

و در کافی ج 3 ص 380 و فقیه ج 1 ص 250 از امام ششم روایت کنند که هر کس با ایشان در صف اول

ص: 67

نماز بخواند مثل کسی است که پشت سر رسول خدا نماز خوانده باشد.

و در تهذیب ج 3 ص 277 امام ششم باسحاق بن عمار میفرماید ای اسحاق آیا با ایشان نماز میخوانی در مسجدشان عرض کرد بلی فرمود نماز بخوان با ایشان بدرستی که نماز گذار با ایشان در صف اول مثل کسی است که در راه خدا شمشیر بکشد.

و در فقیه ج 1 ص 251 حضرت صادق (علیه السلام) بزید شحام میفرماید ایزید با اخلاق سنیها سازش کنید و در مسجدهاشان نماز بخوانید و مریض هاشان را عبادت کنید و تشییع جنازشان بروید و اگر میتوانید کاری کنید و خوشرفتاری نمائید که امام جماعت و اذان گوین ایشان شما باشید بجا آورید که اگر این کار نمودید میگویند اینها جعفری هستند خدارحمت کند جعفر را که چه شیعه های خوب تربیت کرده و اگر این کارها را ترک کنید آنها خواهند گفت خدای جزای بد بجعفر بدهد چنانچه شیعه های بد تربیت کرده .

پس از این اخبار معلوم شد مدارا کردن با سنیها خصوصا در مکه و مدینه که جای تقیه است و از تمام دنیا آنجا هستند نزد ائمه اطهار بسیار مطلوب است ولی غفلت

ص: 68

نباید کرد که این همه ثواب که بما میدهند برای نمازیکه با آنها میخوانیم نه برای این است که آنها قیمتی دارند بلکه برای حفظ جان و مال و عرض شیعه است لذا نماز آنها از نماز ما کفایت نمیکند و باید نماز خودمان را باز بخوانیم (اگر چه بعید نیست بعضی مجازی بدانند) فقط غرض آن است که حتی المقدور شیعه حفظ ظاهر بکند که اعتراض آنها وارد نباشد نگویند شیعه نماز نمیخواند و باین سبب تکفیر کنند و اذیت نمایند خداوند این یک مشت شیعه را در پناه امام زمانش حفظ فرماید و از شر اشرار نگاه دارد.

### مسجد خیف

در کافی ج 4 ص 519 و فقیه ج 1 ص 149 و ج 2 ص 128 در حدیث معاویه بن عمار حضرت صادق علیه السلام فرمود خیف را خیف نامیدند برای آنکه از وادی بلندتر است و هر چه که از وادی بلندتر باشد آن را خیف نامند. و در تهذیب ج 5 ص 274 و کافی ج 4 ص 519 و فقیه ج 1 ص 149 و ج 2 ص 136 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود نماز بخوان در مسجد خیف که او مسجد منی است و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در عهد خودش در وسط مسجد نزد مناره بود تا آنجا که فرمود اگر بتوانی جای

ص: 69

نماز خود را در آن قرار بدهی قرار ده که هزار پیغمبر در آن نماز گذارده .

و در کافی ج 4 ص 214 و فقیه ج 1 ص 149 و ج 2 ص 136 از امام باقر علیه السلام است که هفتصد پیغمبر در مسجد خیف نماز خوانده .

و در فقیه ج 2 ص 136 دارد که هر کس صد رکعت نماز در مسجد منی بخواند پیش از آنکه از آن خارج شود مثل عبادت هفتاد سال باشد .

و هر کس صد مرتبه در مسجد من «سبحان الله» بگوید خدای عزوجل مزد یک بنده آزاد کردن برای او بنویسد .

و هر کس صد مرتبه در آن «لا اله الا الله» بگوید معادل با یک بنده زنده کردن است.

و هر کس صد مرتبه «الحمد لله» بگوید معادل با خراج عراقین (کوفه و بصره) است که در راه خدا انفاق کرده باشد .

### مسجد منی

همان مسجد خیف است

### مشعر

در مزدلفه گذشت

### مقام ابراهیم علیه السلام

در فقیه ج 2 ص 136 و وافی ج 8 ص 10 از حضرت

ص: 70



باقر علیه السلام روایت کند که هر کس دو رکعت نماز نزد مقام بخواند معادل با شش بنده آزاد کردن است.

ایضاً در فقیه ج 2 ص 131 و تهذیب ج 5 ص 20 حضرت باقر از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که وقتی دو رکعت نماز نزد مقام بجا آوردی خدای عزوجل بنویسد برای تو دو هزار رکعت نماز قبول شده .

## مکه

و در فقیه ج 2 ص 166 و وافى ج 8 ص 11 روایت کند که مکه چند اسم دارد ، مکه و بکه و أم القرى و أم رحم، و البساسه چون هر وقت ظلم در آن میگردند هلاکشان میکرد و هر وقت ظلم میشدند رحمشان مینمود . (لذا بساسه و أم رحم نامیدند) .

در کافی ج 4 ص 401 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که داخل مکه نمیشود مردی با سکینه و تواضع جز آنکه آمرزیده شود .

و در کافی ج 4 ص 586 و تهذیب ج 5 ص 31 و فقیه ج 1 ص 147 و وافى ج 8 ص 10 از حضرت صادق علیه السلام روایت کنند که حضرت فرمود مکه حرم خدا

ص: 71

و رسول خدا و أمير المؤمنين صلوات الله عليهما است و يك نماز در آن مقابل صد هزار نماز است و يك درهم صرف کردن در آن مقابل صد هزار درهم است الخبر .

و در تهذيب ج 5 ص 468 و فقيه ج 2 ص 146 و وافي ج 8 ص 10 از حضرت صادق از جدش علي بن الحسين عليهما السلام روايت کنند که يك سبحانه الله گفتن در مکه افضل است از خراج عراقين که در راه خدا انفاق شود.

و در فقيه ج 2 ص 146 روايت کند که خواب رفتن در مکه مثل جد و جهد کردن در عبادت است در جاهای ديگر وسجده کننده در مکه مانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد.

و در فقيه ج 2 ص 132 روايت کند که هر کس با تواضع داخل مکه شود خداوند گناهش را بيا مرزد .

و در فقيه ج 2 ص 146 و وافي ج 8 ص 11 نقل کند که هر کس هفتاد رکعت نماز در مکه بخواند و بخواند در هر رکعت سوره قل هو الله احد و سوره انا انزلناه و آيه سخره (1) و آيه الكرسي را نميرد مگر شهيد و کسی که در مکه ميخورد و ميشامد مثل کسی است که در غير مکه روزه باشد

ص: 72

---

1- مراد از آيه سخره آيه 53 و 54 و 55 از سوره اعراف است که اول آيه (ان ربكم الله الذي ، و آخر آن ان رحمت الله قريب من المحسنين) است ميباشد

و روزه یک روز در مکه معادل روزه یک سال است در غیر مکه و راه رونده در مکه در عبادت خدای عزوجل باشد .

و در فقیه ج 2 ص 146 و وافی ج 8 ص 11 از امام محمد باقر صلوات الله وسلامه علیه روایت کند که هر کس یک سال مجاور مکه باشد خدا گناه او را بیامرزد و گناه اهل بیت او را و گناه کسی را که برای او طلب مغفرت کند و گناه عشیره او و همسایگان او گناه نه سال از گناهان گذشته و صد و چهل سال هم از هر بدی نگاه داشته شوند .

و در کافی ج 4 ص 547 و فقیه ج 2 ص 147 از حضرت صادق، و باقر علیهما السلام روایت شده که هر کس اذیتی را از راه مکه برکنار کند خداوند برای او حسنه بنویسد و برای هر کس حسنه نوشت عذابش نکند .

و در کافی ج 4 ص 263 و تهذیب ج 5 ص 23 و فقیه ج 2 ص 147 و وافی ج 8 ص 45 ابن ستان از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که هر کس بمیرد در راه مکه چه در وقت رفتن باشد و چه در وقت برگشتن از فزع اکبر و ترس روز قیامت ایمن باشد .

و در فقیه ج 2 ص 157 و وافی ج 8 ص 9 سعید اعرج از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که بهترین زمینها بسوی خدا مکه سمت نزد خدا و هیچ خاکی محبوبتر

ص: 73

از خاک مکه و هیچ سنگی از سنگ مکه و هیچ درختی از درخت مکه و هیچ کوهی از کوه مکه و هیچ آبی از آب مکه نیست .

و در کافی ج 2 ص 616 و فقیه ج 2 ص 146 و وافى ج 8 ص 11 از امام پنجم روایت کنند که هر کس قرآن را در مکه ختم کند از جمعه تا جمعه دیگر یا کمتر و یا زیادتر ولی ختمش روز جمعه باشد نوشته شود برای او از اجر و حسنات از اول جمعه ای که در دنیا بوده تا آخر جمعه که خواهد بود و اگر در غیر از جمعه هم ختم کند همین طور خواهد بود .

و در فقیه ج 2 ص 146 از علی بن الحسین (علیه السلام) و در تهذیب ج 5 ص 468 از حضرت صادق از علی بن الحسین علیهما السلام و وافى ج 8 ص 11 روایت کنند که فرمود هر کس قرآن را در مکه ختم کند نمیرد تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و منزلش را در بهشت ببیند.

و در کافی ج 4 ص 281 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که هر کس از مکه بر گردد و قصد داشته باشد که سال آینده نیز مشرف شود بر عمرش افزوده خواهد شد

و در فقیه ج 2 ص 141 دارد که هر کس از مکه بر گردد و قصد کند که سال آینده مشرف شود بر عمرش افزوده

ص: 74

شود و اگر قصد نکند که باز مشرف شود اجل و عذابش نزدیک گردد.

و در کافی ج 4 ص 270 و تهذیب ج 5 ص 444 از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کنند هر کس از مکه خارج شود و قصد نکند که باز مشرف شود پس بتحقیق که اجل و عذابش نزدیک شده .

و در فقیه ج 2 ص 142 و تهذیب ج 5 ص 444 و ص 462 از حضرت صادق روایت کنند که فرمود این کوهراکه پائین است میبینید؟ یزید بن معاویه چون از حج بشام بر میگشت این شعر را انشاء کرد:

إذا نزلنا ثافلا يمينا\*\*\* فلن تعود بعده سنينا

الحج والعمرة ما بقينا

(خلاصه گفتار یزید علیه اللعنه آن است که چون از این کوهها پائین رفتیم دیگر تا زنده ایم برای حج و عمره نخواهیم رفت) خداوند ندهم او را قبل از اجلس بدرک فرستاد

و در کافی ج 4 ص 533 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود هر وقت خواستی از مکه خارج شوی یک درهم خرما بخر و مشت مشت صدقه بده تا کفاره گناهانی باشد که احتمال دارد در احرام یا در مکه از تو

ص: 75

صادر شده باشد .

و در فقیه ج 2 ص 290 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود مستحب است برای مرد و زن که از مکه خارج نشوند مگر آنکه یکدرهم خرما بخرند و صدقه بدهند عوض آنچه که ممکن است از ایشان در احرام با در حرم خدا سر زده باشد .

### ملتزم

ملتزم یعنی جای در بر گرفتن و آن پشت کعبه واقع شده نزدیک رکن یمانی چنانچه از تهذیب ج 5 ص 108 و ص 281 و کافی ج 4 ص 532 مستفاد میشود و مستحار و متعوز هم همین مکان را گویند یعنی مراد از هر سه یک مکان است.

در کافی ج 4 ص 525 یونس گوید از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال کردم از ملتزم که برای چه آنجا را در بر میگیرند و چه باید آنجا ذکر شود حضرت فرمود نزد آن نهری است از نه‌های بهشت در هر پنجشنبه اعمال بندگان در آن ریخته میشود .

و در کافی ج 4 ص 410 دارد وقتی حضرت صادق علیه السلام به ملتزم میرسید بغلامان خود میفرمود دور

ص: 76

شوید از من یا مردم را دور کنید از من تا در این مکان برای خدای خود ماقرار بگناهانم بنمایم بجهت آنکه اینجا مکانیست که اقرار نکند بنده بگناهان خود پس استغفار کند جز آنکه خداوند او را بیامرزد.

و در کافی ج 4 ص 532 و تهذیب ج 5 ص 281 دارد که علی بن مهزیار می گوید حضرت جواد علیه السلام را دیدم تا آنجا که میگوید (1) پس رفت طرف پشت کعبه بسوی ملتزم پس خانه را در بر گرفت و لباس را از شکمش دور ساخت پس زیاد آنجا توقف فرمود و دعا کرد تا آنجا که میگوید توقف حضرت نزد ملتزم بمقدار هفت یا هشت شوط طواف بود.

## منی

در مجمع کوید منی بر وزن الی در یک فرسخی مکه است از عقبه شروع میشود تا وادی محسر .

در فقیه ج 2 ص 127 دارد که منی را منی گفتند بواسطه آنکه جبرئیل علیه السلام آمد خدمت حضرت ابراهیم علیه السلام و عرض کرد تمنا کن ای ابراهیم و منی نامیده میشد پس مردم آن را می نامیدند .

در حدیث دیگر دارد منی را می گفتند بواسطه آنکه

ص: 77

---

1- تمام حدیث در وداع خواهد آمد .

حضرت ابراهیم علیه السلام آنجا تمنا کرد که خدا بجای پسرش گوسفندی را قرار بدهد که آن را قربانی کند بجای او .

و در مجمع گوید منی را می گفتند بجهت آنکه آنجا خونهای قربانیان ریخته میشود .

و در کافی ج 4 ص 256 و وافی ج 8 ص 42 حضرت صادق علیه السلام فرمود وقتی مردم در منی جای گیر شدند در منازل خود منادی ندا کند که ای منی اهلت آمدند پس وسعت بده به راه های خود و وسط را پر کن ، و منادی دیگری ندا کند اگر میدانستید بر که وارد شده اید هر آینه یقین میکردید که هر چه صرف کرده اید جایش پر شده و آمرزیده هم شده اید .

و در فقیه ج 2 ص 136 و کافی ج 4 ص 257 و وافی ج 8 ص 42 حضرت صادق علیه السلام فرمود وقتی مردم در منی در منازل خود جای گیر شدند منادی ندا کند که اگر میدانستید که در فناء و حریم کی وارد شده اید هر آینه یقین میکردید که اموالی را که صرف کرده اید جای آن پر شده و آمرزیده هم شده اید .

و در کافی ج 4 ص 262 و فقیه ج 2 ص 135 و وافی ج 8 ص 42 حضرت صادق علیه السلام فرمود چون

ص: 78



مردم در منی جای گیر شوند منادی از طرف خدای عزوجل ندا کند که اگر میخواستید من راضی شوم پس بدرستیکه من راضی شدم .

و در کافی ج 4 ص 194 و فقیه ج 2 ص 148 از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که چون حضرت آدم از منی کوچ کرد ملائکه او را ملاقات و عرض کردند ای آدم حج تو مقبول باشد ولی آگاه باش که ما دو هزار سال قبل از تو این خانه را حج کرده ایم .

و در کافی ج 4 ص 460 و تهذیب ج 5 ص 177 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود چون متوجه می شوی بگو «اللهم ایاک ارجو و اراء ادعو فبلغنی املی و اصلح لی عملی»

و در کافی ج 4 ص 469 و تهذیب ج 5 ص 178 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود چون بمنی رسیدی پس بگو «اللهم هذه منی وهی مما مننت بها علینا من المناسک فأسألک أن تمن علینا بما مننت به علی انبیائک ، فانما أنا عبدک و فی قبضتک» الخبر .

## ناودان

در کافی ج 4 ص 407 حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود پدرم هر وقت رو بروی ناودان میشد عرض میکرد «اللهم اعتق رقبتی من النار وأوسع علی من

ص: 79

رزقك الحلال وادراء عنى شر فسقه الجن والإنس، وأدخلتى الجنة برحمتك» .

و در کافی ج 4 ص 557 و تهذیب ج 6 ص 8 و فقیه ج 2 ص 340 حضرت صادق (علیه السلام) بمعاونیه بن عمار فرمود برو بمقام جبرئیل علیه السلام و آن زیر ناودان است و بگو «أى جواد، أى كريم، أى قريب، أى بعيد أسألك أن تصلى على محمد وأهل بيته وأسألك ان ترد على نعمتك» الخبر .

و در کافی ج 6 ص 387 مصادف میگوید در مکه مردی از برادران ما از شدت مرض شکایت داشت تا اینکه نزدیک مرگ رسید حضرت صادق علیه السلام را در راه ملاقات حضرت فرمود ای مصادف فلانی چه شد عرض کردم در حالت مردن است فرمود اگر من بجای شما بودم از آب ناودان باو میخورانیدم ما هر جا طلب کردیم آب ناودان نیافتیم که ناگاه ابری بالا آمده و بارید پس رفتم مسجد و یک درهم دادم بآنهاییکه در مسجد بودند و ظرفی از آب ناودان گرفتم پس آوردم و بمریض خورانیدم بعدش هم قاویت خورد و خوب شد.

ص: 80

وادی محسر همان آخر مزدلفه و مشعر است .

در کافی ج 4 ص 471 و تهذیب ج 5 ص 195 و فقیه ج 2 ص 282 حضرت صادق علیه السلام فرمود چون بوادی محسر مرور کنی که وادی بزرگیست بین جمع (مشعر الحرام) و منی و بنی نزدیک تر است پس سعی کن (یعنی قدری تند برو) در آن تا از آن بگذری بدرستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شتر خود را حرکت میداد و عرض میکرد «اللهم سلم لی عهدی و اقبل توبتی و أجب دعوتی و اخلفنی فیمن ترکت بعدی» .

و در کافی ج 4 ص 471 و فقیه ج 2 ص 282 دارد که حرکت (یعنی سعی) در وادی محسر صد قدم است .

و در کافی ج 4 ص 471 و فقیه ج 2 ص 282 دارد که هر وله در وادی محسر قدر صد ذراع است .

و در چند حدیث دارد که هر کس فراموش کرد سعی در وادی محسر را باید برگردد و سعی کند .

و در کافی ج 4 ص 471 و تهذیب ج 5 ص 178 و ص 193 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود از وادی محسر رد نشوی تا آفتاب بزند.

در کافی ج 4 ص 530 و تهذیب ج 5 ص 28 حضرت صادق (علیه السلام) بمعایه بن عمار فرمود هر وقت اراده کردی از مکه خارج شوی و نزد اهلت روی پس وداع کن خانه خدا را و هفت مرتبه طواف کن و اگر قدرت داری استلام کنی حجر الاسود و رکن یمانی را در هر طوافی بجا آور و گرنه از حجر الاسود ابتداء کن و بآن ختم نما و اگر این را هم نتوانستی در وسعت هستی مانعی ندارد پس از آن بیا نزد مستجار و بجا آور آنچه را که در روز اول که وارد مکه شدی بجا آوردی و هر دعائی را که میخواهی برای خود اختیار کن پس از آن استلام کن حجر الاسود را و شکمت را به خانه بچسبان و یک دست بر حجر بگذار و دیگری را از طرف درب کعبه بگذار و حمد و ثنای خدای را بگو و صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بفرست و بگو « اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و أمینک و حبیبک و نجیبک و خیرتک من خلقک اللهم کما بلغ رسالاتک وجاهد فی سبیلک و صدع بأمرک و أوذی فی جنبک و عبدک حتی أتاه الیقین ، اللهم اقلبنی مفلحاً منجحاً مستجاباً لی

بأفضل ما يرجع به أحد من وفدك من المغفره والبركه والرضوان والعافيه ، اللهم ان امتى فاغفر لى وأن أحييتى فارزقنيه من قابل ، اللهم لا تجعله آخر العهد من بيتك ، اللهم انى عبدك وابن عبدك وابن أمتك، حملتني على دوابك وسيرتني فى بلادك حتى اقدمتني حرمك وامنك وقد كان فى حسن ظنى بك ان تغفر لى ذنوبى فازدد عنى رضاو قربنى اليك زلفى ولا تباعدنى وان كنت لم تغفر لى فمن الآن فاغفر لى قبل أن تنأى عن بيتك دارى فهذا أوان انصرافى ان كنت اذنت لى غير راغب عنك ولا عن بيتك ولا مستبدل بك ولا به ، المهم احفظنى من بين يدى ومن خلفى وعن يمينى وعن شمالى حتى تبلغنى أهلى فاذا بلغتنى أهلى فاكفنى مؤنه عبادك و عيالى فانك ولى ذلك من خلقك ومنى» پس برو نزد زمزم و از آبش بياشام پس خارج شو و بگو « آئبون تائبون عابدون لربنا حامدون الى ربنا راغبون الى الله راجعون ان شاء الله» و حضرت صادق (عليه السلام) هر وقت خانه را وداع میکرد و میخواست از مسجد الحرام خارج شود نزد درب سجده میفتاد و سجده اش طولانى میشد پس بلند شده روانه میشد . والحمد لله على نعمائه وصلى الله على محمد و آله .

تمام شد آنچه را بنا بود در این مختصر نقل کنیم در عصر جمعه نوزدهم جمادی الثانی از سه هزار و سیصد و نود و سوم از هجرت ، چنانچه شروعش هم صبح جمعه دوازدهم جمادی الثانی همین ماه شد.

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین ، وأنا الجانی محمود بن السید مهدی الموسوی الدهسرخی الأصفهانی .

ص: 84

## فهرست ثواب اعمال حج

موضوع - صفحه-عدد احادیث

احرام-4-2

ایام تشریق-4-3

بکه-6-2

پردہ-6-2

ترویہ-7-1

تلبیہ-7-5

حج-9-44

عقاب تارک حج-21-11

حجر الأسود-24-4

حجر اسماعیل-25-6

حرم-27-5

حطین-28-6

ص: 85

حلق-29-

دعای طلب حج-29-3

دعا در وقت رمی-30-1

رکن یمانی-31-14

رمی-34-6

زمزم-35-15

سر تراشیدن-38-5

سعی-39-4

طواف-40-8

عقاب تارک حج-21-11

عمره قربانی-46-8

دعاء قربانی-49-4

کعبه-51-18

مأزمین-55-2

متعوذ-57-1

محسر-57-

مزدلفه-57-5

ص: 86



مستجار-3-60

مسجد الحرام-14-63

مسجد خيف-4-69

منى-8-77

ناودان-3-79

نماز با سنيها-8-66

وادي محسر-4-81

وداع-1-82

ص: 87



تأليف محمود بن سيد مهدي موسوي دهرسخي اصفهاني

مطابق با فتاوى هفت نفر از مراجع بزرگى شيعه

چاپ اول حق چاپ و عكس بردارى مخصوص مؤلف است

رجب المرجب سنه 1393 هجرى

ص: 89



الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على أعدائهم اجمعين .

و بعد چنین گوید این فقیر الی الله محمود بن سید مهدی موسوی ده سرخی اصفهانی که چون کتاب (ثواب اعمال حج) را نوشتم بعضی از دوستان اهل فضل تقاضا نمودند که منتخبی از مناسک حجج اسلام و مراجع عالی مقام انتخاب کنم و ضمیمه آن نمایم تا فائده اش اتم باشد حقیر هم بعد از استخاره مسئول او را اجابت نمودم و مطالبی را که راجع بواجبات و محرمات اعمال حج و عمره بود جمع آوری و با فتاوی مراجع زنده مطابقه کردم امیدوارم خدای عزوجل از فضل خود قبول فرماید و پسندیده حجاج محترم گردد . و نامردم آن را به (منتخب المناسک) و معلوم باشد که متن آن از کتب متعدده انتخاب شده و

در پاورقی اشاره بفتاوی مراجع و شماره صفحات مناسک هر یک نموده ام فقط باید تعیین چاپ آنها بشود و آن از قرار ذیل است .

مناسک آیه الله خوئی چاپ پنجم . مناسک آیه الله خونساری چاپ دوم . مناسک آیه الله شاهرودی ، چاپ سنه 1387 ه . مناسک آیه الله شریعتمداری ... مناسک آیه الله گلپایگانی چاپ پنجم . مناسک آیه الله مرعشی نجفی چاپ حاج سید ابو القاسم مرعشی . مناسک آیه الله میلانی چاپ سنه 1391 ه و از اهل فضل و دانش تقاضامندم که اگر بتقصانی برخورد نمودند بقلم عفو خود اصلاح فرمایند .

بدانکه حج تمتع مرکب است از دو عبادت که یکی را عمره تمتع گویند ، و دیگری را حج تمتع نامند . و عمره تمتع مقدم بر حج تمتع است .

### **عمره تمتع**

عمره تمتع عیار است از پنج عمل : اول احرام دوم طواف سوم نماز طواف چهارم سعی ، پنجم تقصیر .

### **مواقیت احرام**

احرام بستن باید از یکی از جاهای پنجگانه باشد ، اول مسجدشجره که در نزدیکی مدینه طیبه است و آن میقات

ص: 92

کسانیسست که از مدینه به حج میروند.

دوم جحفه است و آن میقات کسانیسست که از طرفشام (1) بمکه میروند.

سوم وادی عقیق است و آن میقات کسانیسست که از راه عراق و نجد بمکه میروند.

و چهارم قرن المنازل است و آن میقات اهل طائف است .

پنجم یلملم است و آن میقات اهل یمن است

و اگر کسی از غیر از این پنج راه مکه بخواهد مشرف شود باید. از محاذی یکی از این مواقیت باشد (2).

مسئله حاجیانیکه با هواپیما وارد جده میشوند و از آنجا بمکه میخوانند بروند و بمدینه نمیروند از کجا باید محرم شوند (3)؟.

ص: 93

1- از طرف شام و مصر (شریعتمداری ص 8، گلپایگانی ص 15، مرعشی ص 9).

2- اکتفا بمطلق محاذی محل اشکال است بلکه احوط عقد احرام است بندر قبل از میقات (خونساری ص 16).

3- آیه الله شاهرودی در ص 5 میفرماید: کسی که با هواپیما بمکه می رود و در جده فرود می آید و نخواهد بمدینه رود بهتر آنست بندر از جده یا قبل از جده محرم شود که چنانچه نذر نماید دیگر در وقت رسیدن بمقابل حده و جائیکه علمهای حرم نمایان میشود حاجت بتجدید احرام نداشته باشد. و آیه الله میلانی در ص 7 میفرماید کسانیکه با هواپیما بمکه میروند و در جاده فرود می آیند در حالیکه احرام نبسته اند بنا بر احتیاط واجب اگر ممکن است باید از مسجد شجره یا از جحفه محرم شوند و اگر ممکن نیست باید در جده محرم شوند و در بین راه نیت را بهم نزنند و مشغول لبیک گفتن باشند، تا جائیکه علمهای حرم نمایان شود، و احتیاط واجب آن است که در آنجا دو باره محرم شوند. و آیه الله مرعشی در ص 11 میفرماید اگر کسی از میقات یا محاذی میقات بگذرد مانند کسی که از قبل جده با هواپیما پرواز کند اقوی آنستکه بنذر کردن، احرام او قبل از جده صحیح است. و آیه الله گلپایگانی در ص 22 میفرماید کسی که بخواهد از ایران مثلا با طیاره برود جده و از آنجا برود مکه و نخواهد جحفه یا میقات دیگر برود، و در راه هم نتواند محرم شود، لازم است در شهر خود نذر کند و محرم شود و اگر عمدت محرم نشود و برود عمره او باطلست مگر آنکه بر گردد بیکی از میقاتها و از آنجا محرم شود، لکن با عدم تمکن از برگشتن احتیاط آن است که هر قدر می تواند برگردد بطرف میقات و محرم شود و عمره را بجا آورد و بعد هم قضاء آنرا بجا آورد.

## واجبات احرام

واجبات احرام سه چیز است . اول پوشیدن لباس

ص: 94



احرام (1) دوم نیت سوم تلبیه .

## احرام

یعنی پوشیدن دو جامه که یکی را بمنزله لنگ از ناف تا زانو به بندد بطوریکه ناف و زانو را بپوشاند (2)

و دیگری را بمنزله عبا بر دوش اندازد بطوریکه دو شانه اش را بپوشاند .

مسئله این دو جامه خصوصاً لنگ باید نازک نباشد، از حریر هم نباشد ، و نماز هم در آنها جایز باشد، و نجس هم نباشد مگر آنچه در نماز معفو بود .

مسئله لباسهای زن احرام زن است دیگر محتاج باحرام جداگانه نیست (3) ولی باید لباسهای او از حریر و ابریشم خالص نباشد اگر چه در حال غیر احرام برای زن حریر و ابریشم جایز است ولی در حال احرام جایز نیست.

## نیت

اما نیت پس باید بعد از پوشیدن دو جامه احرام قصد

ص: 95

---

1- اول نیت (شریعتمداری ص 12) (خونساری ص 18).

2- واجبست در ازار که از ناف تا زانو را بپوشاند (مرعشی ص 12)

3- اگر چه بهتر آن است که دو پارچه مزبور را هم در زیر یا بالای لباسهای خود بپوشد (شاهرودی ص 7) احتیاط واجب آن است که زنها نیز این دو جامه را بپوشند (گلپایگانی ص 23)

کند و بهتر آن است که بزبان آورد که احرام می بندم برای عمره تمتع قربه الی الله ، و اجمالا در نظر داشته باشد که آنچه بر محرم حرام است ترک کند .

## تلبیه

اما تلبیه که در (ثواب اعمال حج معنا و ثوابش ذکر شده) آن است که بعد از نیت و پوشیدن دو جامه یا مقارن آن بگوید (لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك ، ان الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك لبيك) وأحوط و اولی كسر همزة ان و فتح كاف الملك است (1)

مسئله باید این الفاظ را بنحو صحیح و عربی بگوید، و اگر تمکن ندارد بهر قسمی که میتواند بگوید ولو اینکه ترجمه اش را بگوید و نائب هم بگیرد .

## محرمات احرام

محرمات احرام که بر شخص محرم حرام است مرتکب بشود بیست و شش چیز است (2).

ص: 96

- 
- 1- احتیاط واجب آنست که تمام صیغه تلبیه را یکبار بکسا «ان» بخواند و یکبار دیگر بفتح آن . و همچنین تکرار «الملك يفتح كاف و ضم آن باین نحو که چهار مرتبه مجموع تلبیات تکرار شود اگرچه اقوی کفایت چهار تلبیه اول است (خونساری ص 19)
  - 2- شیخ در نهاییه فرموده است بیست است و اکثر موجودین بیست و چهار دانسته اند، و بعضی بیست پنج شمرده اند و این اختلاف لفظی است مثلا بعضی بوسیدن زن و لمس زن را در تحت عنوان مستقل ذکر کرده اند و بعضی در تحت عنوان جماع داخل نموده اند .

و آنها بترتیب حروف بیان میشود .

## آینه

اول باینه نگاه کردن برای محرم حرامست (1). ولی عینک زدن اگر بقصد زینت نباشد اشکال ندارد (2)

## استمناء

دوم استمناء کردن برای محرم حرام است و استمناء یعنی کاری کند که منی از او خارج شود (3).

## انگشتر

سوم انگشتر در دست کردن بقصد زینت حرام است (4) بلکه زینت نمودن بهر قسم باشد . برای محرم حرامست

## بوئیدن

چهارم بوئیدن هر چیزی که بوی خوش دارد مثل مشک -

ص: 97

---

1- و كفاره آن بنا بر احوط يك گوسفند است (خوئی ص 47 میلانی ص 19).

2- احتیاط مستحب ترك آن است (گلبایگانی ص 34)

3- و كفاره آن يك شتر است (خوئی ص 41، خونساری ص 24، میلانی ص 17 گلبایگانی ص 32. مرعشی ص 21)

4- واحوط در كفاره آن يك گوسفند است (خوئی ص 51).

وعنبر و زعفران و نحو آنها . و بخود مالیدن و خوردن که همه اینها برم حرام است و کفاره آن یک گوسفند است (1)

### بوسیدن زن

پنجم بوسیدن زن بر محرم حرام است ولو اینکه زن خودش باشد که اگر این عمل را انجام داد و از روی شهوت بوسید و منی خارج شد یک شتر کفاره دارد ، و اگر منی خارج نشد باز هم احتیاط یک شتر است، و اگر بوسه از روی شهوت نشد کفاره آن یک گوسفند است .

### پوشیدن چیز دوخته

ششم پوشیدن چیز دوخته یا مثل دوخته مانده کلاه نمدی بر مرد محرم حرام است، و اگر پوشید و لو از روی ناچاری باشد یک گوسفند کفاره دارد .

### پوشانیدن روی پا

هفتم پوشیدن چیزی که تمام روی پاها را بپوشاند بر محرم حرامست مثل کفش و چکمه و جوراب و گیوه و نحو آنها (2)

### پوشانیدن سر

هشتم پوشانیدن سر برای مرد محرم حرامست و اگر

ص: 98

---

1- بنا بر قول مشهور (خوئی ص 44)

2- وکفاره آن بنا بر احوط یک گوسفند است (خوئی ص 47)

## جدال

نهم جدال بر محرم حرامست و آن گفتن «لا-والله» و «بلی-والله» است و بلکه احتیاط در اینستکه بکلماتی دیگر بغیر از این دو لفظ نیز قسم نخورد و در صورتیکه جدال کننده در سخن خود راستگو باشد. اگر چه جدال بر او حرامست ولی موجب کفاره نیست بلکه فقط استغفار بر او لازم است، و اینحکم در صورتیستکه قسم از دو مرتبه تجاوز نکند و الایک گوسفند کفاره بر او واجب خواهدشد و اما در صورتیکه جدال دروغ باشد در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم دو گوسفند (2) کفاره لازم است، و در مرتبه سوم یک گاو کافیت (3).

ص: 99

- 
- 1- اگر مرد سر خود را بپوشاند بنا بر احتیاط برای هر دفعه یک گوسفند واجب میشود (شاهرودی ص 20. شریعتمداری ص 27 خونساری ص 30، گلپایگانی ص 38 میلانی ص 22).
  - 2- در مرتبه دوم یک گاو (خونساری ص 28، شاهرودی ص 18، شریعتمداری ص 24، گلپایگانی ص 36، مرعشی ص 26 میلانی ص 20).
  - 3- در مرتبه سوم یک شتر (خونساری ص 28. شاهرودی ص 18. شریعتمداری ص 24. گلپایگانی ص 36. مرعشی ص 26 میلانی ص 20).

دهم جماع کردن و بوسیدن و بازی کردن و بلکه نگاه کردن بزن از روی شهوت همه اینها بر محرم حرامست .

پس اگر کسی در احرام عمره تمتع پیش از تمام شدن سعی عمداً بازنی با مردی نزدیکی کند عمره او فاسد است(1) و یک شتر هم كفاره دارد، و احتیاط آنستکه همین عمره فاسد را بآخر برساند و در باره از میقات عمره را اعاده نماید و در این صورت حج تمتع او صحیح است .

و اگر جماع بعد از تمام شدن سعی باشد از روی علم و عمد فقط یک شتر کاره دارد اگر مال دار باشد (2)، و یک گاو بدهد اگر متوسط الحال باشد، و اگر فقیر است یک گوسفند بدهد.

## خون

یازدهم بیرون آوردن خون از بدن بھر نحویکه باشد حرام است و لو بمسواک و خراشیدن باشد . و بنا بر احتیاط كفاره آن یک گوسفند است (3).

ص: 100

---

1- فساد آن معلوم نیست (خوئی ص 36) .

2- كفاره این عمل در صورت تمکن بنا بر احتیاط یک شتر با یک گاو است ، و اختیار شتر احوط است (خوئی ص 36) .

3- و بفرموده بعضی اطعام یک فقیر است (گلپایگانی ص 41 شریعتمداری ص 30، خو نساری ص 32) .

## درخت

دوازدهم کندن درخت و هر گیاهی که در حرم روئیده باشد بر محرم حرامست و کفاره آن (1) اگر بزرگ باشد یک گاو است ، و اگر کوچک باشد یک گوسفند است (2) و کفاره کندن گیاه استغفار است (3)

## دروغ

سیزدهم دروغ گفتن و فحش دادن بر محرم حرامست و کفاره ندارد (4) .

## دندان

چهاردهم دندان کندن بر محرم حرامست اگر خون بیاید (5) و بنا بر احتیاط واجب (6) کفاره آن یک گوسفند

ص: 101

- 
- 1- کفاره آن قیمت آنست (خوئی ص 63) .
  - 2- جمعی فرموده اند (گلپایگانی ص 42) .
  - 3- کفاره ندارد (خوئی ص 63) .
  - 4- اگر چه احوط اینستکه در کناره آن یک گاو بکشند (خوئی ص 49) . بلکه مستحب است کشتن یک گاو (گلپایگانی ص 35) بنا بر احتیاط واجب یک گاو است (میلانی ص 20) .
  - 5- اگر چه خون نیاید (گلپایگانی ص 2 شریعتمداری ص 31. خونسازی ص 33)
  - 6- اگر چه احوط است ولی دلیل آن جای تأمل است (خوئی ص 60) بعضی گفته اند که کناره او یک گوسفند است و آن احوط است (خونسازی ص 33) .

است .

## روغن

پانزدهم روغن مالیدن ببدن برای محرم حرامست اگر چه خوشبو نباشد (1)، و در وقت خوردن غذاهای چرب دستها را بر هم نمالد خصوصا اگر صدق روغن مالی داشته باشد .

## زینت

شانزدهم زینت کردن برای محرم حرامست بهر قسمی که باشد (2). و اگر برای زینت حناء ببندد حرام است (3) و پوشیدن زن زیور ، و آلات زینت خود را حرامست .

## سایه

هفدهم سایه قرار دادن مرد محرم بالای سر خود در

ص: 102

- 
- 1- در صورتی مجرم این عمل را از روی علم و عمد بنماید کشتن یک گوسفند در کنار آن احوط است ، و در صورت جهل احوط اینست که یک فقیر را اطعام بنماید (خوئی ص 53)
  - 2- و احوط در کنار آنها یک گوسفند است (خوئی ص 51)
  - 3- و کفاره آن بنا بر احتیاط یک گوسفند است (خوئی ص 52)



حال حرکت در امست، ولی راه رفتن در سایه اتومبیل و مانند آن اشکال ندارد، اگر چه مستحب دانسته اند که آنرا هم ترک کنند، و احتیاط واجب آن است که در شب و در هوای ابر هم زیر سایبان نرود. و کفاره زیر سایه رفتن یک گوسفند است و این حکم در حال ضرورت هم جاریست، و مستحب است اگر زیر سایه رفتن مکرر شد برای هر روزی یک گوسفند بدهد (1).

## سر مه

هیچدهم سر مه کشیدن در صورتیکه سیاه باشد و بقصد زینت باشد برای محرم حرامست (2).

## سلاح

نوزدهم سلاح بر داشتن برای محرم حرامست (3) جز

ص: 103

- 
- 1- چنانچه بدون جهت یا مثلاً یکمرتبه برای سرما و مرتبه دیگر برای باران زیر سایه برود بنا بر احتیاط واجب کفاره هم متعدد میشود (میلانی ص 25) واحوط آنست که اگر بتواند از برای هر روزی یک گوسفند بدهد (خونساری ص 32).
  - 2- و بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره لازم است (خوئی ص 46. مرعشی ص 23).
  - 3- کفاره برداشتن سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است (خوئی ص 61).

در صورت اضطرار که مانعی ندارد .

## شکار

بیستم شکار کردن حیوانات صحرائی برای محرم حرامست ، و نشان دادن و اشاره کردن و خوردن گوشت شکار نیز حرامست ، و کفاره صید مختلف است حسب اختلاف حیوانات ، و کفاره صید ثابت است ولو سهوا یا جهلا ، یا نسیانا باشد بخلاف کفارات دیگر از محرمات که اختصاص بصورت علم و عمد دارد و نظر باینکه در مناسکها کفارات صدرا حواله بکتاب مفصله داده اند حقیر از شرایع بنحو اختصار نقل میکنم .

## کفارات شکار صحرائی

و آن بر دو قسم است یکی آنکه بدل دارد دیگر آنکه بدل ندارد ، قسم اول که دل دارد پنج است

اول نعامه یعنی شتر مرغ که محرم اگر آن را بکشد باید یک شتر کفاره بدهد ، و اگر شتر نشد قیمت آن را بدهد

دوم گاو وحشی و خر وحشی و کفاره آن یک گاو اهلیست ، و اگر نشد قیمتش را گندم خریده و بهر فقیر دو مد صدقه بدهد و اگر از شصت مد زیادتر شد زیادیش را لازم نیست بدهد ، و اگر آنهم نشد عوض هر دو مد یک روز روزه بگیرد ، و اگر آنهم نشد نه روز روزه بگیرد .

ص: 104

سوم آهو که اگر شخص محرم آن را کشت باید یا گوسفند کفاره بدهد، و اگر نشد قیمت آن را گندم خریده بهر مسکینی دو مد بدهد، و اگر قیمت گوسفند زیادتر از بیست مد شد زیادیش را لازم نیست بدهد.

چهارم اگر محرم تخم شتر مرغ را شکست که جوجه در آن بحر کت آمده برای هر تخمی یک بچه شتر باید بدهد و اگر جوجه هنوز بحر کت نیامده نظر کند ببیند چند عدد تخم شکسته بعدد آنها شتر نر در شترهای ماده داخل کند هر چه بچه شتر بوجود آمد آنها را قربانی کند، و اگر تمکن نداشته باشد برای هر تخمی یک گوسفند بدهد و اگر آنها نشد ده مسکین را طعام بدهد، و اگر آنها نتوانست سه روز روزه بگیرد.

پنجم اگر محرم تخم قطا و کبک را شکست اگر جوجه در آن حرکت دارد برای هر یک، یک بره بدهد، و اگر حرکت ندارد بعدد تخمها گوسفند نر در گوسفند ماده داخل کند و نتیجه آنها را قربانی کند، و اگر تمکن نداشته باشد. برای هر تخمی ده مسکین اطعام کند، و اگر آنها نشد سه روز روزه بدارد.

و اما آن قسم که بدل ندارد نیز پنج است.

اول اگر محرم کبوتر را بکشد باید یک گوسفند بدهد.

دوم اگر مرغ کوهی و قطا و دراج هر یک را صید کند باید یک قوچ بدهد .

سوم اگر خارپشت و سوسمار و موش صحرائی را شکار نمود باید برای هر یک یک بزغاله بدهد.

چهارم اگر گنجشک و قبره (شانه سر) و صعوه که پرنده ایست از گنجشک کوچک تر هر کدام را کشت باید یک مرد طعام صدقه بدهد .

پنجم در مثل ملخ و شپش و مانند آن یک کف طعام بدهد.

این خلاصه کفارات اقسام صید بود که ذکر شد .

### صورت گرفتن زن

بیست و یکم صورت پوشانیدن برای زن حرام است ولی میتواند نقاب را طوری بزند که روی صورت نیفتد ، که آن را اسدال میگویند . و اگر

صورت خود را پوشانید یک کوسفند کفاره باید بدهد (1).

### عقد

بیست و دوم عقد کردن زن برای خود و یا دیگری

ص: 106

---

1- یک کوسفند واجب میشود (شاهرودی ص 22) ، بنا بر احتیاط (خوئی ص 57) یک کوسفند کفاره بر او لازم است (خونساری ص 31

گلپایگانی ص 39) کفاره ندارد (میلانی ص 24 . مرعشی ص 29).

حرامست و اگر عقد کرد فعل حرام بجا آورده ولی کفاره برای مجرد عقد ذکر نکرده اند بلی اگر عقد کرد و دخول بعمل آمد کفاره دارد و آن در جماع گذشت .

### قسم خوردن

در جدال گذشت

### کشتن جانوران

بیست و سوم کشتن جانوران بدن مثل شپش و کنه و مانند آن برای محرم حرام سمت (1).  
و احتیاط (2) آنست که از جای خود بجای دیگر نقل ندهد اگر جای اول محفوظ تر است .

### لمس

بیست و چهارم لمس زن برای محرم حرامست یعنی از روی شهوت بزن خود دست بزند (3) .

### مو

بیست و پنجم موی خود یا دیگری را از بدن خود یا

ص: 107

- 
- 1- وکفاره آن یک کف طعام است (خوئی ص 51. مرعشی ص 26) .
  - 2- احتیاط واجب (شاهرودی ص 18 . شریعتمداری ص 24 گلپایگانی ص 36 . میلانی ص 21)
  - 3- و کفاره آن یک گوسفند است (خوئی ص 39) . (خونساری ص 23).

دیگری برطرف کردن حرامست پس اگر محرم از روی اضطرار سر خود را تراشید مخیر است در کناره بین اینکه یک گوسفند بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا دوازده مد طعام (1) بشش فقیر بدهد، و احتیاط اختیار گوسفند است ولی اگر اضطرار برای تراشیدن نداشت باید یک گوسفند بدهد.

## ناخن

بیست و ششم ناخن گرفتن برای محرم حرامست و اگر یک ناخن بگیرد یک مد طعام کفاره باید بدهد، و اگر تمام ناخن های دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد کفاره آن یک گوسفند است، و اگر ناخنهای دست را در یک مجلس و ناخنهای پاها را در مجلس دیگر بگیرد دو گوسفند کفاره لازم دارد.

## جای کشتن کفارات احرام کجا است ؟

\*جای کشتن کفارات احرام کجا است ؟ (2)

## طواف

دوم از واجبات عمره تمتع طواف است و آن رکن

ص: 108

---

1- یا ده مد طعام بده نفر مسکین بدهد (گلپایگانی ص 37 شریعتمداری ص 36 شاهرودی ص 20)

2- کفاره ای که بجهت صید واجب شده است اگر در احرام عمره باشد جای کشتن آن مکه معظمه است، و اگر در احرام حج باشد جای کشتن آن منی است. و کفاراتی را که بجهت غیر از صید از اسباب گذشته واجب میشود میتوانند در منی بکشند اگر چه در احرام عمره واجب شده باشد و جائز است که مکلف آن کفارات را تأخیر انداخته و در شهر خودش بعد از برگشتن بکشد (خوئی ص 63). کفاره ای که در احرام عمره بر شخص واجب میشود باید آن را در مکه ذبیح نماید، و کفاره ای که در احرام حج بر شخص واجب میشود باید آن را در منی ذبح نماید و بدهند بفقراء مؤمنین و اگر در مکه و یا منی فقیر مؤمن نمیشناسند بدهند با نهائیکه بعنوان نیابت حج میکنند و فقیر هستند: و اگر فقیر مؤمن و وکیل آنها در آنجا نباشد مخیر است که قداء را در آنجا ذبح نماید و یا در پلدش و بفقراء بلدش بدهد (شاهرودی ص 26).

است ترک آن از روی عمد موجب فساد حج است چه عالم بحکم باشد و چه نباشد.

## شرائط طواف

شرائط طواف پنج چیز است :

اول نیت است که باید قصد کند برای فرمان الهی هفت دور طواف خانه کعبه مینمایم برای عمره تمتع از فرض حجه الاسلام قربه الی الله .

دوم طهارت یعنی پاک بودن از حدث اکبر که جنابت و حیض و نفاس بوده باشد، و از حدث اصغر که بول و غائط و باد و خواب بوده باشد پس باید شخص طواف

ص: 109

کننده با وضو یا غسل باشد .

سوم پاک بودن بدن و لباس از جمیع نجاسات حتی از نجاساتی که در نماز معفو است مثل خون قروح و جروح و خون کمتر از درهم .

چهارم ختنه کردن پس مرد ختنه نکرده طوافش باطل است ، و احوط ثبوت این شرط است در باره اطفال کوچک پس اگر بدون ختنه طواف کنند یا طواف دهند آنها را طواف نساء از ایشان باطل خواهد بود پس زن از برای ایشان بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر آنکه تدارک طواف نساء نمایند بخود یا نایب .

پنجم ستر عورتین یعنی باید جلو و عقب خود را بچیزیکه نماز در آن جایز است بپوشانند ، پس با لباس غصبی و نجس و حریر و ابریشم ستر نمیتوان کرد .

## واجبات طواف

واجبات طواف هفت چیز است .

اول باید طواف را ابتداء از حجر الاسود بنماید و برای اینکه یقین کند ابتداء از حجر شده مقداری قبل از رسیدن بحجر نیت کند تا یقین کند که با نیت از ابتداء حجر رد شده .

دوم هر دوری را بحجر الاسود ختم کند .

ص: 110



سوم طوری طواف کند و دور کعبه بگردد که خانه کعبه در طرف چپ او واقع شود. و البته دقت عقلی لازم نیست بلکه صدق عرفی کافیت .

و چهارم حجر حضرت اسماعیل (علیه السلام) را در مطاف قرار بدهد و دور آن طواف کند و در حال طواف داخل آن نشود و مواظب باشد وقتی بلور حجر اسماعیل رسید شش ذراع بیشتر از دیوار حجر دور نشود.

پنجم باید در وقت طواف بیش از بیست و شش ذراع و نصف از خانه کعبه دور نشود ، و ذراع از آرنج است تا سر انگشتان .

ششم باید دور خانه کعبه بگردد و روی شاذروان که شبه برآمدگی است مثل حریم خانه نرود .

هفتم باید هفت دور تمام طواف کند نه زیاد باشد و نه کم و پی در پی بجا آورد .

## نماز طواف

سوم از واجبات عمره تمتع نماز طواف است و آن مثل نماز صبح دو رکعت است ولی در جهر و اخفات مخیر است ، و باید این نماز را پشت مقام بخواند و اگر پشت مقام نشد در یکی از دو طرف آن بخواند و اگر آنهم نشد هر جا که نزدیکتر است پشت مقام یا یکی از دو طرف

آن آنجا بخواند (1) و بنیت نماز طواف بخواند و بعد از طواف فوراً بخواند (2) و فاصله بین طواف و نمازش نیندازد .

و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد بخواند ولو بعد از سعی باشد و احتیاط سعی را اعاده نماید .

و باید نماز را بنحو صحیح بجا آورد و اگر نمیداند باید یاد بگیرد (3) .

ص: 112

---

1- و احتیاط آنستکه هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند (گلپایگانی ص 72، مرعشی ص 52، خونساری ص 63) و بهتر است هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند شاهرودی ص 54، میلانی ص 52) .

2- احوط در نماز طواف آن است که بآن مبادرت کند یعنی میان نماز و طواف عرفاً فاصله نباشد (خوئی ص 87، خونساری ص 63 مرعشی ص 51، میلانی ص 52) . احتیاط واجب آنستکه نماز را بعد از طواف قدور در پشت مقام بعمل آورد (شریعتمداری ص 64) .

3- کسی که واجبات نماز طواف را از قرائت و غیر آن نداند و از روی جهل بحکم نماز را فاسد بجا آورد عمره او باطل است و از این جهت حج او نیز فاسد خواهد شد (خوئی ص 88، خونساری ص 64 گلپایگانی ص 74) .

اگر کسی از روی مسامحه حمد و سوره خود را درست نکرد و بمکه مشرف شد و تمکن از یاد گرفتن پیدا نکرد چه باید بکند؟ (1).

سعی

چهارم از واجبات عمره تمتع سعی بین صفا (2) و

ص: 113

1- احوط اینست که خود بمقدار میسور نماز طواف را بخواند و پس از آن نماز را با جماعت بجا آورد و بعد از آن برای نماز نایب بگیرد (خوئی ص 89. مرعشی ص 53. میلانی ص 52) لازم است خودش بهر کیفیتی که ممکن است بخواند و در صورت امکان اقتداء بنماید و نایب بگیرد که نایب آن نماز طواف را بخواند (شریعتمداری ص 65) احتیاط آنست که بطور ف- برادی بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز بهتر و مطابق با احتیاط است (گلپایگانی ص 74).

2- صفا و مروه اسم دو کوه است که کنار مسجد الحرام واقع شده اند. در کافی ج 4 ص 190 دارد که صدمارا صفا گفتند برای آنکه از اسم آدم مصطفی مشتق است. و در فقیه ج 2 ص 126 دارد که صفا را صفا گفتند برای آنکه مصطفی که آدم علیه السلام است بر آن هبوط کرد پس برای کوه اسمی از اسمهای آدم گذاردند. و در کافی ج 4 ص 432 و تهذیب ج 5 ص 146 دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بمقدار خواندن سوره بقره در صفا توقف میفرمود و در کافی ج 4 ص 433 دارد که اگر میخواهی مال تو زیاد شود طول بده ایستادن در صفا و مروه را.

مروه است (1) و آن مثل طواف رکن است و باید همان روزیکه طواف کرده سعی کند بلکه بعد از نماز طواف سعی را انجام دهد.

از صفا بمروه رفتن یک شوط حساب میشود و از مروه بصفا برگشتن نیز یک شوط حساب میشود پس چهار مرتبه از صفا رفتن و سه مرتبه از مروه برگشتن هفت شوط حساب میشود .

و در سعی طهارت از حدث و خبث و ستر عورتین شرط نیست (2).

ص: 114

- 
- 1- در کافی ج 4 ص 190 دارد که حواء بر مروه هبوط کرد و مروه را مروه گفتند چون از اسم مرأه مشتق است . و درص 192 دارد که مروه را مروه گفتند چون مرأه (یعنی زن) بر آن هبوط کرده بود پس برای کوه اسمی از اسم مرأه مشتق کردند.
  - 2- اولی مراعات طهارت از حدث است (خوئی ص 89) احوط مراعات طهارت از حدث است (خونساری ص 73 احتیاط) مستحب آن است که با وضوء یا غسل باشد (شاهرودی ص 58. گلپایگانی ص 78 ، میلانی ص 57) .

واجبات سعی هشت چیز است. اول نیت باین نحو که هفت مرتبه در بین صفا و مروه سعی عمره تمتع میکنم قربه الی الله. دوم از صفا ابتداء کردن. سوم بمروه ختم نمودن. چهارم هفت مرتبه سعی کردن نه زیادت باشد و نه کمتر. پنجم از راه معمولی رفت و شد کردن. ششم در وقت رفتن بمروه رو بمروه باشد و در وقت برگشتن از مروه بصفا باشد. هفتم لباس و کفش او مباح باشد و غصبی نباشد. (1) هشتم ترتیب بین طواف و سعی یعنی باید سعی بعد از طواف باشد.

### تقصیر

پنجم از واجبات عمره تمتع تقصیر است. یعنی بعد از تمام شدن هفت مرتبه سعی باید قدری از موی سر یا ریش یا سیبیل یا از ناخن خود را بگیرد و در وقت تقصیر این طور نیت کند که (برای محل شدن از عمره تمتع در فرض حجه الاسلام تقصیر مینمایم برای فرمان الهی قربه الی الله)

ص: 115

---

1- این شرط را جز آیه الله گلپایگانی کسی را ندیدم متعرض باشد بلی آیه الله میلانی میفرماید سعی کردن با مرکوب و لباس و نعلین غصبی محل اشکالست.

آنوقت هر چه برای او در احرام حرام شده بود حلال میشود مگر سر تراشیدن که در آن تفصیل است.

## طواف نساء

در عمره تمتع طواف نساء مشروع نیست (1)

## حج تمتع

واجبات حج تمتع را سیزده چیز دانسته اند . اول احرام دوم وقوف بعرفات سوم وقوف بمشعر الحرام که جمع و مزدلفه هم میگویند چهارم رمی جمره در منی روز عید قربان پنجم قربانی کردن در منی ششم تراشیدن سر اگر سفر اول است هفتم طواف خانه خدا هشتم نماز طواف نهم سعی بین صفا و مروه دهم طواف نساء برای مرد و زن

ص: 116

---

1- چون شهید وجوب آن را از بعض علماء نقل کرده اولی اینست که بعد از تقصیر طواف نساو و نماز آن را احتیاطاً بجا آورد (خوئی ص 99 . مرعشی ص 60 . خو نساری ص 80) . احتیاط مستحب آنست که بعد از تقصیر طواف نساء و نماز بعد از آن را هم بجا آورد (شاهرودی ص 67 . شریعتمداری ص 86) . اگر بخواهد کاملاً با احتیاط رفتار کند بعد از تقصیر طواف نساء و نماز آن را نیز بامید اطاعت فرمان خداوند متعال بجا آورد گلپایگانی ص 90 میلانی ص 64)،

یازدهم نماز طواف نساعدوازدهم بودن در منی شب یازدهم و دوازدهم ذیحجه سیزدهم رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم ذیحجه .

## احرام

اول از واجبات حج تمتع احرام بستن است و افضل اوقات آن روز هشتم است که احرام بشود و از مکه بعرفات برود و محل این احرام از خود مکه است در هر جائیکه باشد مانعی ندارد اگر چه مستحب است از مسجد الحرام در مقام ابراهیم با حجر اسماعیل محرم بشود

احرام حج و واجبات و تروک آن مثل احرام عمره است که گذشت و نیتش آن است که (محرم میشوم در حج تمتع برای اعمال حج برای فرمان خدا قربه الی الله)

## وقوف در عرفات

دوم از واجبات حج تمتع وقوف در عرفات است و آن بر دو قسم است .

## اول وقوف اختیاری

ماندن در عرفات از ظهر (1) عرفتها مغرب واجب است برای شخص مختار و یک مقدار آن رکن است .

ص: 117

---

1- اگر چه اظهر اینستکه تأخیر آن تا یکساعت بعد از ظهر تقریبا جایز باشد (خوئی ص 104).

پس اگر کسی عمدأ در این مدت هیچ وقوف نکند حج او فاسد است و اگر قبل از غروب با علم و عمد از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات خارج شود معصیت کرده و باید یک شتر در منی برای خدا قربانی کند و اگر از این کفاره متمکن نشد باید هیچده روز پی در پی روزه بگیرد و حج او صحیح است ، چون بمقدار رکن در عرفات بوده .

### **دوم وقوف اضطراری**

و آن برای کسی است که تمکن از ماندن در عرفات از ظهر تا غروب نداشته باشد باید در شب عید مقداری از شب را در عرفات بماند و این مقدار ماندن در شب عید برای صحت حج شخص مضطر کفایت می کند. و اگر این مقدار را عمدأ ترک کرد حج او باطل است . و در وقوف نیت و قصد قربت لازم است . مثلاً نیت کند که امروز از ظهر تا مغرب برای حج تمتع بقصد انجام فرمان خداوند عالم در عرفات میمانم) .

### **وقوف در مشعر الحرام**

سوم از واجبات حج تمتع وقوف در مشعر الحرام است که جمع و مزدلفه نیز می گویند و آن بر سه قسم است یک وقوف اختیاری و در وقوف اضطراری .



## وقوف اختیاری مشعر الحرام

کسی که حج میکند باید شب عید را از عرفات بمشعر الحرام برود و احتیاط واجب (1) آن است که تا صبح آنجا بماند و نیت کند که (امشب را تا صبح برای انجام فرمان الهی در مشعر میمانم) و اول اذان صبح دو باره نیت وقوف کند که (از حالا تا اول طلوع آفتاب در حج تمتع حجه الاسلام برای فرمان خداوند عالمیان در مشعر میمانم) و احتیاط واجب آن است که پیش از طلوع آفتاب از مشعر الحرام بیرون نرود، و اگر رفت لا اقل از وادی محسر خارج نشود که اگر خارج شد یک گوسفند باید کفاره بدهد. و معلوم باشد که مسمای وقوف از اول فجر تا طلوع آفتاب واجب رکنی است و ما بقی واجب غیر رکنی است پس اگر کسی عمداً مسمای وقوف را انجام ندهد حج او فاسد خواهد بود. مگر برای پیره زن و پیره مرد و مریض و کسانیکه کار ضروری دارند که اینها میتوانند قبل از طلوع فجر از مشعر خارج شوند در صورتیکه مقداری از شب را در مشعر درک کرده باشند.

## وقوف اضطراری مشعر الحرام

وقوف اضطراری مشعر الحرام بر دو قسم است یکی

ص: 119

---

1- وجوبش معلوم نیست (خوئی ص 108).

ماندن مقداری از شب عید را در مشعر و دیگری کسی که از روی فراموشی یا عذر دیگر از وقوف ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب متمکن نشده باشد برای او کافیست که مقداری بعد از طلوع آفتاب تا پیش از ظهر عید قربان در آنجا وقوف کند و اگر این را هم عمدا ترک کند حج او فاسد خواهد بود .

### رمی جمره عقبه

چهارم از واجبات حج تمتع رمی جمره عقبه است کسیکه حج میکند باید در روز عید قربان بعد از طلوع آفتاب از مشعر کوچ کرده و بدنی آید و در آنجا برود نزد جمره عقبه و هفت سنگ ریزه بجره عقبه بیندازد و وقت آن از اول طلوع آفتاب است تا غروب ولی افضل اوقات آن زوال ظهر است هم روایات زیاد در این باره رسیده و هم وقت خلوتیست و اگر فراموش کرد باید تا روز سیزدهم بجا آورد.

### واجبات رمی

چند چیز در رمی واجب است اول آنکه نیت کند که (برای انجام فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجه الاسلام هفت سنگ ریزه بجره عقبه میاندازم) .

ص: 120

دو آنکه سنگها را بجمره بیندازد ، اگر آنها را در جمره بگذارد کافی نیست. چون در لسان ادله رمی که انداختن باشد داریم نه وضع که گذاردن باشد .

سوم آنکه سنگها بواسطه انداختن بجمره برسد . پس اگر بجای دیگر بخورد بعد بجمره بخورد کفایت نکند (1) و اگر هم شک نماید که آیا بجمره رسید یا نرسید بنا بگذارد که ترسید .

چهارم آنکه شماره سنگها کمتر از هفت عدد نباشد.

پنجم آنکه به ترتیب پسر تاب کند یعنی یکی یکی بیندازد و اگر باهم بیندازد اگر چه پشت سر هم بجمره برسد صحیح نیست .

ششم آنکه در روز عید قربان باشد و از اول طلوع آفتاب تا غروب باشد و تأخیر از آن جایز نیست .

هفتم آنکه باید سنگ ریزه از حرم باشد و مستحب است شب عید، از مزدلفه که مشعر هم میگویند جمع کند.

هشتم آنکه بکر باشد یعنی کسی بآن سنگریزه ها بنحو صحیح رمی نکرده باشد .

نهم آنکه باید صدق سنگ ریزه بر آنها بشود زیاد بزرگ نباشد و کوچک هم نباشد و مستحب است بقدر

ص: 121

---

1- اظهر کفایت آن است (خوئی ص 115).

سر انگشت باشند . و سمت و رنگین و نقطه دار باشند . .

دهم آنکه مباح باشد پس با سنگ غصبی رمی در سمت نیست مثل اینکه کسی سنگ ریزه برای خود حیازت و جمع آوری کرده باشد دیگری بدزدد و رمی کند .

## قربانی

پنجم از واجبات حج تمتع قربانی کردن در منی است . کسیکه حج تمتع بجا می آورد ، باید روز عید در منی یک شتر و یا یک گاو و یا لاقل یک گوسفند قربانی کند اگر شتر است باید داخل سال ششم شده باشد و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب باید داخل سال سوم شده باشد و اگر میش است باید هفت ماه تمام داشته باشد(1) و اگر بز است بنا بر احتیاط واجب باید داخل سال سوم شده باشد.

## شرائط قربانی

چند شرط در قربانی معتبر است . اول آنکه بنا بر

ص: 122

---

1- و احوط اینستکه یکسال را تمام کرده و در سال دوم داخل شده باشد (خوئی ص 118 خونساری ص 113 گلپایگانی ص 128 مرعشی ص 71) و اگر میش است بنا بر احتیاط واجب باید داخل سال دوم شده باشد ( میلانی ص 86 شریعتمداری ص 119)، اگر چه احتیاط مستحب آنستکه داخل در سال دوم شده باشد (شاهرودی ص 95) .

احتیاط سالم باشد پس ناخش کفایت نمیکند. دوم آنکه تام الأجزاء باشد پس کور ولنگ و گوش بریده و حیوانیکه از شاخاندرون آن چیزی ناقص باشد کفایت نمیکند، و اظهر اینستکه حیوان اخته شده که ایت نمیکند و احوط اینستکه قربانی که رگها و تخمهای او را مالیده باشند، نباشد (1).

سوم آنکه بنا بر احتیاط بسیار پیر نباشد بحدیکه مغز استخوانش آب شده باشد.

چهارم آنکه بنا بر احتیاط لاغر نباشد پس حیوانیکه عرفا او را لاغر گویند کفایت نمیکند اگر چه در گرده های او پیه هم باشد.

و احتیاط مستحب آن است که گوش قربانی شکافته یا سوراخ نباشد.

اگر حیوانی را خرید و ذبح کرد بگمان آنکه صحیح است و بعد معلوم شد ناقص است کفایت نمیکند (2).

اگر در وقت حج قربانی یافت نشد لازم است قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد تا آنکه در بقیه ایام ذی-

ص: 123

---

1- حیوانیکه رگها و تخمهای آن مالیده باشد جایز است قربانی کنند (گلیپایگانی ص 129).

2- ظاهر اینستکه در قربانی کفایت میکند اگر چه احوط عدم کفایت آنست (خوئی ص 120).

الحجه قربانی کند و اگر در آن سال نشد سال دیگر آنرا انجام دهد .

## دعای قربانی در ثواب اعمال حج ص 49 گذشت

### مصرف قربانی

واجب است (1) که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه بدهد و قدری هم صدقه بدهد، صدقه را باید بفقیر مؤمنی بدهد و احتیاط آن است که هدیه را هم بغیر مؤمن ندهد و لازم نیست هدیه گیرنده فقیر باشد .

### حلق و یا تقصیر

ششم از واجبات حج تمتع سر تراشیدن و یا قدری از موی سر یاریش یا شارب یا ناخن گرفتن است، و احتیاط واجب برای کسی که سفر اول اوست تراشیدن سر است (2)

برای زنان حلق جایز نیست باید تقصیر کنند .

ص: 124

---

1- احوط است (خوئی ص 123 . خو نساری ص 114) بنا بر احتیاط واجب (شاهرودی ص 98. شریعتمداری ص 122)، بنا بر احتیاط (میلانی ص 88) آیه الله مرعشی متعرض این فرع نیست .

2- اظهر اینسکه تقصیر نیز کفایت میکند (خوئی ص 125) تراشیدن سر مستحب است هر چند سفر اول او باشد (شریعتمداری ص 125) اقوی تخییر بین حلق و تقصیر می باشد حتی در سفر اول حج (مرعشی ص 24) .

و در حلق یا تقصیر باید نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجه الاسلام حلق میکنم یا تقصیر مینمایم . و چون از حلق یا تقصیر فارغ شد هر چه برای او حرام بود حلال میشود مگر زن و بوی خوش و صید .

بنا بر احتیاط(1) باید اول رمی کند دوم قربانی نماید سوم حلق یا تقصیر کند و بعد از حلق لباس احرام خود را میتواند بیرون بیاورد و لباس دوخته بپوشد .

## طواف زیارت

هفتم از واجبات حج تمتع طواف زیارت است .

کسیکه حج تمتع میکند باید بعد از رمی و قربانی و حلق بمکه بر گردد و طواف زیارت بنماید طریقه طواف همچنان است که در طواف عمره گذشت .

## نماز طواف زیارت

هشتم از واجبات حج تمتع دو رکعت نماز طواف زیارت است که باید بلافاصله طواف پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد چنانچه در عمره گذشت .

ص: 125

---

1- ترتیب در میانه رمی و ذبح و حلق لازم است علی الأشهر الأحوط (خونساری ص 118) بنا بر احتیاط واجب (شاهرودی ص 101 شریعتمداری ص 126. گلپایگانی ص 136 میلانی ص 92).

نهم از واجبات حج تمتع سعی است بین صفا و مروه چنانچه در عمره گفته شد.

### طواف نساء

دهم از واجبات حج تمتع طواف نساء است برای مردان و زنان بطریقه که قبلا گفته شد .

### نماز طواف نساء

یازدهم از واجبات حج تمتع دو رکعت نماز طواف نساء است و در تمامی آنچه ذکر شد نیت و قصد معتبر است .

کسی که حج تمتع میکند لازم نیست بعد از اعمال منی فوراً بمکه برگردد ، بلکه می تواند تا آخر ذیحجه آمدن بمکه را تأخیر بیندازد (1).

ص: 126

---

1- اگر چه احوط اینستکه آنرا از روز یازدهم بتأخیر نیندازد (خوئی ص 128 خونساری ص 120 گلپایگانی ص 138 مرعشی ص 74) اگر چه احتیاط مستحب آنستکه پیش از ظهر روز سیزدهم بمکه برگردد (شاهرودی ص 103) اگر تا روز سیزدهم تأخیر بیندازد مکروه است ، و چنانچه پیش از تمام شدن ماه ذیحجه آن اعمال را در مکه بجا آورد اگر چه معصیت نموده ولی حج او صحیح است (میلانی ص 94) .



انسان نمیتواند پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی، طواف و سعی بجا آورد، ولی کسیکه نمیتواند بعد از برگشتن بمکه این اعمال را انجام دهد مثلزنیکه گمان کند که بعد از برگشتن حیض یا نفاس می بیند، با پیرمرد بواسطه ازدحام جمعیت نتواند طواف را انجام دهد، اگر پیش از رفتن بعرفات طواف و سعی را بجا آورد اشکال ندارد (1) اگر انسان یقین داشته باشد که بعد از برگشتن از منی نمیتواند تا آخر ماه طواف و سعی کند، باید پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد (2).

ص: 127

---

1- ولی احتیاط مستحب آن است که بعد از وقوف بعرفات و مش می و فراغ از اعمال منی دوباره طواف و نماز آن و سعی را انجام دهد (شاهرودی ص 103) ولی طواف نساء را بنا بر احتیاط باید دوباره بعد از برگشتن از منی بجا آورد (میلانی ص 94). احتیاط آن است که بعد از برگشتن اگر ممکن شود در ایام تشریق و اگر نه تا آخر ذیحجه طواف و سعی را دوباره بجا آورد (گلپایگانی ص 138 خونساری ص 120 مرعشی ص 76 خوئی ص 128).

2- و بنا بر احتیاط کسی را هم نایب بگیرد که بعد از برگشتن از منی طواف و نماز و سعی او را بجا آورد (شاهرودی ص 104 شریعتمداری ص 129 خونساری ص 120 گلپایگانی ص 139 میلانی ص 94).

بعد از طواف نساء و نماز آن همه چیز بر او حلال میشود (1) مگر صید حرم که حرمتش مختص بمحرم نبود

### بیتوته در منی

دوازدهم از واجبات حج تمتع بسر بردن شب یازدهم و شب دوازدهم است در منی، و در آن قصد فریت معتبر است، و چنانچه شخص متمتع در روز عید برای طواف و سعی بمکه رفته باشد بر او واجب است که بسوی منی برگشته و شب یازدهم و دوازدهم را در آنجا بسر برد، و در اول شب نیت ماندن شب را بنماید. و اگر کسی روز دوازدهم را در منی ماند تا شب سیزدهم داخل شد، بودن شب در آنجا بر او واجب خواهد شد او بودن روز در منی لازم است مگر برای رمی جمرات، و اگر کسی بیتوته در منی را ترک نماید واجب است برای هر شب یک گوسفند قربانی کند. حتی اگر از روی جهل یا فراموشی باشد.

مکلف در مقدار بیتوته مخیر است بین اینکه از اول شب تا بعد از نصف شب در آنجا بماند و یا اینکه قبل از نصف شب آمده و تا صبح در آنجا بسر برد، و در صورتیکه از اول شب تا نیمه در آنجا بماند، جائز است

ص: 128

---

1- احوط اینستکه حرمت صید تا ظهر روز سیزدهم باقیست خوئی ص 132

بعد از نیمه شب از آنجا خارج شود ولی احوط و اولی (1) اینست که پیش از طلوع صبح بمکه داخل نشود .

احتیاط واجب آن است که روز دوازدهم تا ظهر در منی باشد. (2)

## رمی جمرات

سیزدهم از واجبات حج تمتع رمی جمرات سه گانه است که جمره اولی و وسطی و عقبه نامند .

بر شخص متمتع واجب است در هر یک از روز یازدهم و دوازدهم جمرات سه گانه را سنگ بزند و اگر شب سیزدهم را در منی ماند و اجب (3) است روز سیزدهم نیز هر سه جمره را رمی کند آنوقت کوچ کند و بمکه برود .

روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم (اگر در منی ماند) باید بترتیب رمی کند یعنی اول مره اولی و دوم جمره وسطی و سوم جمره عقبه را سنگ بزند و اگر خلاف نمود واجب است اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

والحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

ص: 129

- 
- 1- احتیاط واجب (شاهرودی ص 106. شریعتمداری 130) احتیاط مستحب (میلانی ص 96 مرعشی ص 79 گلپایگانی ص 143)
  - 2- وجایز است که روز دوازدهم بعد از ظهر از آنجا کوچ کند (خوئی ص 133 خونساری ص 124 شاهرودی ص 105 گلپایگانی ص 142 مرعشی ص 80).
  - 3- بنا بر احتیاط (خوئی ص 135 مرعشی ص 82).

## زیارت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه بعد از حج

بدانکه از جمله اموری که بسیار تأکید شده زیارت رسول اکرم و اولاد گرامش صلوات الله علیهم أجمعین میباشد که باید حجاج محترم بعد از انجام وظیفه حج بمدینه طیبه برگردند و زیارت خاتم انبیا و ائمه هدی و صدیقه کبری علیهم السلام مشرف شوند.

### ثواب زیاره پیغمبر\_صلی الله علیه و آله\_

در کافی ج 4 ص 548 و تهذیب ج 6 ص 4 و فقیه ج 2 ص 338 از حضرت صادق علیه السلام روایت کنند که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود کسی که حج کند و در مدینه مرا زیارت نکند روز قیامت او را جفا خواهم کرد و هر کس زیارت من بیاید شفاعت من او را واجب شود و هر کس شفاعت من او را واجب شد بهشت برای او واجب شود.

و در کافی ج 4 ص 548 و تهذیب ج 6 ص 4 از امام ششم روایت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر کس مرا زیارت کند من در روز قیامت شفیع او خواهم شد

و در کافی ج 4 ص 548 و تهذیب ج 6 ص 4 دارد که امام حسین علیه السلام بجد بزرگوارش عرض کرد جزای کسی که ترا زیارت کند چیست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود نور دیده، هر کس مرا زیارت کند چه در حال

حیات وچه در حال مهمات با پدرت را زیارت نماید یا برادرت و ترا زیارت کند بر من واجب است که در روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش خلاصی دهم .

و در تهذیب ج 6 ص 4 زیاد شحام از امام ششم سؤال میکند مزد کسیکه پیغمبر را زیارت کند چیست حضرت فرمود مثل کسی که خدا را در بالای عرشش زیارت کند مرحوم شیخ در ذیل حدیث بیانی دارد اهل فضل بآنجا رجوع فرمایند .

### **الفاظی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بان زیارت می شود**

در کافی ج 4 ص 550 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود هر وقت داخل مدینه شدی غسل کن و برو پیش قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و بایست و سلام بر رسول خدا کن و رو بقبله بایست بطوریکه شانه چپ طرف قبر باشد و شانه راست طرف منبر که آنجا جای سر رسول خدا است و بگو «اشهدان لا اله الا الله ، وحده لا شریک له ، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله ، وأشهد أنك رسول الله ، وأشهد أنك محمد بن عبد الله ، وأشهد أنك قد بلغت رسالات ربك ، ونصحت لامتك ، وجاهدت فی سبیل الله ، وعبدت الله [ مخلصاً ] حتی اتاء الیقین ، بالحکمه والموعظه الحسنه ، وأدیت الذی علیک من الحق ، وأنک قد رؤفت بالمؤمنین وغلظت علی

ص: 131

الكافرين ، فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين ، الحمد لله الذی استتقذنا بك من الشرك والضلاله ، اللهم اجعل صلواتك و صلوات ملائكتك المقربين وعبادک الصالحين و انبيائك المرسلين ، وأهل السماوات والأرضين ، ومن مسبح لك يا رب العالمين من الأولين والآخرين على محمد عبدك ورسولك ونبیک وأمینک ونجیک وحبیبک وخصتک وصفوتک وخیرتک من خلقک، اللهم اعطه الدرجه والوسيله من الجنة وأبعثه مقاماً محموداً یغبطه به الأولون والآخرون ، اللهم انک قلت : «ولو أنهم اذ ظلموا أنفسهم جاؤک فاستغفر الله واستغفر لهم الرسول لوجد الله تواباً رحیم» وانی اتیت نبیک مستغفراً تائباً من ذنوبی وانی اتوجه بك إلى الله ربی وربک لیغفر لی ذنوبی».

و اگر حاجتی داری قبر پیغمبر را بین دو کتف خود قرار بده و رو بقبله کن و دستها را بالا- کن و حاجت خود را از خدا بخواه که تو سزاوارتری که حاجتت بر آورده شود ان شاء الله .

### منبر

در کافی ج 4 ص 553 دارد که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود چون از دعا کردن در نزد قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فارغ شدی برو نزد منبر و دست بمال و دو انار که پائین واقع

ص: 132

شده بگیر و چشم و صورت بر آن بکش که گفته شده آن شفای چشم است و نزد منبر بایست و حمد و ثنای الهی را بگو و حاجت خود را از خدا سؤال کن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود بین منبر و خانه من باغی است از باغهای بهشت، و منبر من بر درب کوچکیست از درهای بهشت پس از آن برو بمقام پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و هر چه خواستی نماز گذار پس وقتی داخل مسجد شدی صلوات بفرست و چون خواستی خارج شوی صلوات بفرست و زیاد نماز بخوان در مسجد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله).

### زیارت حضرت فاطمه زهرا - علیها السلام -

در سه مکان آن مظلومه را زیارت می کنند: یکی در خانه خودش دوم بین قبر و منبر سوم در بقیع .

### الفاظ زیارت

در تهذیب ج 6 ص 10 از حضرت باقر علیه السلام روایت کند که آن حضرت بابراهیم بن محمد بن عیسی بن محمد عریضی فرمود وقتی پیش قبر جده ات فاطمه علیها السلام رفتی پس بگو:

«یا ممتحنه امتحنک، الله الذی خلقک قبل أن یخلقک فوجداء لما امتحنک صابره وزعمنا انا لک اولیاء و مصدقون

ص: 133

وصابرون لكل ما أتانا به أبوك صلى الله عليه وآله وأتانا به وصيه عليه السلام فانا نسألك ان كنا صدقناك الا الحقتنا بتصدقنا لهما با لبشرى  
لنبشر أنفسنا بأنا قد طهرنا بولایتك»

## زیارت دیگر

نیز شیخ در تهذیب ج 6 ص 10 زیارت دیگری از اصحاب نقل کرده و آن این است . (ولی باید زوار محترم این زیارت را در آنجاها آهسته بخوانند) .

. «السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت نبی الله ، السلام علیک یا بنت حبیب الله ، السلام علیک یا بنت خلیل الله ،  
السلام علیک یا بنت صفی الله ، السلام علیک یا بنت أمین الله ، السلام علیک یا بنت خیر خلق الله ، السلام علیک یا بنت أفضل انبیاء  
الله ورسله وملائکته ، السلام علیک یا بنت خیر البریه ، السلام علیک یا سیده نساء العالمین من الأولین والآخرین ، السلام علیک یا زوجة  
ولی الله و خیر الخلق بعد رسول الله صلى الله عليه وآله ، السلام علیک یا أم الحسن والحسین سیدی شباب أهل الجنة ، السلام علیک  
أیتها الصدیقه الشهیده ، السلام علیک أیتها الرضیه المرضیه ، السلام علیک أیتها الفاضله الزکیه السلا علیک أیتها الحوراء الأنسیه ، السلام  
علیک أیتها التقیه النقیه ، السلام علیک أیتها المحدثه العلیمه ، السلام

ص: 134



عليك أيتها المظلومه المغصوبه السلام عليك أيتها المضطهده المقهوره ، السلام عليك يا فاطمه بنت رسول الله ورحمه الله وبركاته .

صلى الله عليك وعلى روحك وبدنك ، اشهد انك مضيت على بينه من ربك ، وإن من سرک فقد سر رسول الله صلى الله عليه وآله ، ومن جفاک فقد جفا رسول الله صلى الله عليه وآله ، ومن آذاک فقد آذى رسول الله صلى الله عليه وآله ، ومن وصلک فقد وصل رسول الله صلى الله عليه وآله ، ومن قطعک فقد قطع رسول الله صلى الله عليه وآله لانک بضعه منه وروحه التى بين جنبيه، كما قال صلى الله عليه وآله، اشهد الله ورسوله وملائكته انى راض عمن رضيت عنه ، وساخط على من سخطت عليه و متبرىء ممن تبرأت منه ، موال لمن واليت معاد لمن عاديت ، مبغض لمن ابغضت ، محب لمن احببت وكفى بالله شهيدا وحسيباً وجازياً ومثيباً» پس صلوات بفرست بر پیغمبر و ائمه عليهم السلام ان شاء الله .

### **وداع حضرت رسول (صلى الله عليه وآله)**

در کافی ج 4 ص 563 و تهذيب ج 6 ص 11 حضرت صادق عليه السلام فرمود هر وقت خواستی از مدینه بروی

ص: 135

غسل کن و نزد قبر پیغمبر برو البته بعد از فراغت از حوائج خود (از زیارت و نماز و دعاء) و بجا آور آنچه را در وقت دخول عمل کردی و بگو «اللهم لا تجعله آخر العهد من زیاره قبر نبیک فان توفیتی قبل ذلک فانی أشها، فی مماتی علی ما شهدت علیه فی حیاتی ان لا اله الا أنت وأن محمد عبدک ورسولک».

ایضاً در کافی ج 4 ص 563 حضرت صادق (علیه السلام) فرمود در وداع قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بگو: «صلی الله علیک السلام علیک لا جعله الله آخر تسلیم علیک».

### زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

یعنی امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیه السلام) کسی که میخوانند ایشان را زیارت کند اول غسل کند پس باسکینه ووقار وارد شود چون بدر شریف برسد ایستاده و بگوید (1) «یا موالی یا ابناء رسول الله عبدکم وابن امتکم الذلیل بین أیدیکم، والمضعف فی علو قدرکم، والمعترف بحقکم، جاءکم مستجیر بکم قاصداً الی حرکم متقرباً الی مقامکم، متوسلاً الی الله

ص: 136

---

1- این آداب و دستور اذن دخول را در بحار ج 100 ص 211 از مؤلف مزار کبیر نقل فرموده .

بکم ، وأدخل یا موالی ، وأدخل یا اولیاء الله ، وأدخل یا ملائکه المحققین بهذا الحرم المقیمین بهذا المشهد ؟ پس خشوع کن برای خدا و گریه کن پس اگر قلبت خاشع و چشمت گریان شد. بدان آن علامت قبولی و اذن است پس پای راست مقدم و چپ را مؤخر بگذار و بگو «الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکره وأصیلا ، والحمد لله الفرد الصمد ، الماجد الأحد ، المتفضل المنان المتطول الحنان الذی من بطوله وسهل زیاره سادتی باحسانه ولم یجعلنی عن زیارتهم ممنوعاً بل تطول و منح» .

پس قبر را پیش روی خود قرار بده و بگو «السلام علیکم ائمه الهدی (1)، السلام علیکم أهل التقوی ، السلام علیکم الحجه علی أهل الدنیا ، السلام علیکم القوام فی البریه بالقسط ، السلام علیکم أهل الصفوه ، السلام علیکم أهل النجوى ، أشهد أنکم قد بلغتکم و نصحتکم و صبرتم فی ذات اقه و کذبتکم و أسییء الیکم فعفوتکم ، و أشهد انکم الائمه الراشدون المهديون وان طاعتکم مفروضه و أن قولکم الصدق ، وانکم دعوتکم فلم تجابوا و أمرتم فلم تطاعوا ، و انکم دعائم

ص: 137

---

1- این زیارترا در کافی ج 4 ص 559 و تهذیب ج 6 ص 79 با تفاوتی و فقیه ج 2 ص 344 با تفاوتی ذکر کرده اند و حقیر از کافی نقل میکنم .

الدين وأركان الأرض ولم تزالوا بعين الله ، بنسخكم فى أصلاب كل مطهر وينقلكم فى أرحام المطهرات، لم تدنسكم الجاهليه الجهلاء ، ولم تشرك فيكم فتن الأهواء ، طبتم وطاب منبتكم، من بكم علينا ديان الدين فجعلكم فى بيوت اذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه، وجعل صلواتنا عليكم رحمه لنا و كفاره لذنوبنا اذ اختاركم لنا وطيب خلقنا بما من به علينا من ولايتكم و كنا عنده مسمين بفضلكم معترفين بتصديقنا اياكم وهذا مقام من أسرف وأخطأ واستكان وأقر بما جنى ورجاء بمقامه الخلاص وان يستنقذه بكم مستنقذ الهلكى من الردى ، فكونوا الى شفعاء فقد وفدت اليكم اذا رغب عنكم أهل الدنيا واتخذوا آيات الله هزوا واستكبروا عنها ، يا من هو قائم لا يسهو ، ودائم لا يلهو ، و محيط بكل شيع ، لك المن بما وفقتى وعرفتتى مما اتمنتتى عليه اذ صد عنهم عبادك و جهلوا معرفتهم و استخفوا بحقهم ومالوا الى سواهم فكانت المنه منك على مع أقوام خصصتهم بما خصصتتى به ، فلك الحمد اذ كنت عندك فى مقامى [هذا] مذكوراً مكتوباً ولا تحرمنى ما رجوت ، ولا تخيبنى فيما دعوت» و دعا كن براى خود بآنچه دوست میدارى .

در تهذیب ج 6 ص 80 فرمود هر وقت خواستی بروی بایست نزد قبور ایشان و بگو «السلام علیکم ائمه الهدی ورحمه الله و برکاته ، استودکم الله وقرأ علیکم السلام ، آمنا بالله و بالرسول و بما جئتم به و دلتم علیه، اللهم فاکتبننا مع الشاهدین» پس خدا را زیاد بخوان و بخواه که این زیارت ترا آخرین زیارت ایشان قرار ندهد .

### زیارت فاطمه بنت أسد بن هاشم بن عبد مناف رضوان الله علیها

بعد از فراغت از زیارت ائمه بقیع علیهم السلام در همان مکان زیارت کن جناب فاطمه بنت أسد مادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را .

در بحار ج 100 ص 218 از شیخ مفید و سید مرتضی و شهید نقل کرده که چون کنار قبر آن مخدره ایستادی بگو «السلام علی نبی الله ، السلام علی رسول الله ، السلام علی محمد سید المرسلین ، السلام علی محمد سید الأولین السلام علی محمد سید آخرین ، السلام علی من بعثه الله رحمه للعالمین، السلام علیک ایها النبی ورحمه الله و برکاته السلام علی فاطمه بنت أسد الهاشمیه السلام علیک أيتها الصدیقه

المرضيه والسلام عليك أيتها التقية النقيه ، السلام عليك ايتها الكريمة المرضيه السلام عليك يا كافله محمد خاتم النبيين السلام عليك يا والده سيد الوصيين السلام عليك يا من ظهرت شفقتها على رسول الله خاتم النبيين، السلام عليك يا من تربيتها لولى الله الأمين ، السلام عليك وعلى روحك وبدنك الطاهر ، السلام عليك وعلى ولدك ورحمه الله وبركاته ، اشهد انك احسنت الكفاله ، وأديت الأمانه ، واجتهدت فى ممرضات الله ، وبالغت فى حفظ رسول الله ، عارفه بحقه ، مؤمنه بصدقه ، معترفه بنبوته ، مستبصره بنعمته ، كافله بتربيته ، مشفقه على نفسه ، واقفه على خدمته، مختاره رضاه ، وأشهد أنك مضيت على الإيمان، والتمسك بأشرف الأديان ، راضيه مرضيه ، طاهره زكيه ، تقيه نقيه ، فرضى الله عنك و أرضاك وجعل الجنة منزلك ومأواك ، اللهم صل على محمد و آل محمد ، وانفعنى بزيارتها ، وثبتنى على محبتها ، ولا تحرمنى شفاعتها وشفاعه الاثمه من ذريتها ، وأرزقنى مرافقتها وأحشرنى معها ومع أولادها الطاهرين ، اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتى اياها ، وارزقنى العود اليها أبداً ما أبقيتنى ، واذا توفيتنى فاحشرنى فى زمرتها ، وأدخلنى فى شفاعتها برحمتك يا أرحم الراحمين ، اللهم بحقها عندك ومنزلتها لديك اغفر لى ولوالدى ولجميع

المؤمنين والمؤمنات ، و آتانا فى الدنيا حسنه وفى الآخره حسنه وقنا برحمتك عذاب النار .

پس از آن دو رکعت نماز زیارت بجای آور و دعا کن بآنچه دوست داری .

### زیارت جناب ابراهیم پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

در بحار ج 100 ص 217 از شیخ مفید و سید مرتضی و شهید نقل کرده که در زیارت جناب ابراهیم (علیه السلام) بایست نزد قبر و بگو «السلام على رسول الله ، السلام على نبي الله ، السلام على حبيب الله ، السلام على صفى الله ، السلام على نجيب الله ، السلام على محمد بن عبد الله سيد الأنبياء وخاتم المرسلين وخيره الله من خلقه فى أرضه وسمائه ، السلام على جميع أنبياء الله ورسله ، السلام على السعداء والشهداء والصالحين ، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين ، السلام عليك أيها الروح الزاكية ، السلام عليك أيها النفس الشريفة ، السلام عليك أيها السلالة الطاهرة ، السلام عليك أيها النسمة الزاكية ، السلام عليك يا ابن خير الورى ، السلام عليك يا ابن النبى المجتبى ، السلام عليك يا ابن المبعوث الى كافة الورى ، السلام عليك يا ابن البشير النذير السلام عليك يا ابن السراج المنير ، السلام عليك يا ابن المؤيد بالقرآن ، السلام عليك يا ابن المرسل الى الانس

ص: 141

والجان ، السلام عليك يا ابن صاحب الرايه والعلامه ، السلام عليك يا ابن شفيع يوم القيامه ، السلام عليك يا ابن من حباه الله بالكرامه ، السلام عليك ورحمه الله وبركاته أشهد انك قد اختار الله لك دار انعامه قبل أن يكتب عليك أحكامه أو يكلفك حلاله وحرامه ، فنقلك اليه طيبه زاكيه مرضيه طاهره من كل نجس ، مقدسه من كل دنس ، وبواك جنه المأوى ، ورفعك الى الدرجات العلى ، وصلى الله عليك صلاه يقر بها عين رسوله و يبلغه اكبر مأموله، اللهم اجعل أفضل صلواتك وازكاها و أنمى بركاتك وأوفاهها ، على رسولك و نبيك وخيرتك من خلقك محمد خاتم النبيين وعلى ما نسل من أولاده الطيبين ، وعلى ما خلف من عترته الطاهرين ، برحمتك يا أرحم الراحمين ، اللهم انى اسألك بحق محمد صفيك و ابراهيم نجل نبيك أن تجعل سعى بهم مشكوراً ، وذنبى بهم مغفوراً ، وحياتى بهم سعيده ، وعافيتى بهسم حميده ، وحوائجى بهم مقضيه ، وأفعالى بهم مرضيه ، وامورى بهم مسعوده، وشؤونى بهم محموده ، اللهم وأحسن لى التوفيق ، ونفس عنى كل هم وضيق ، اللهم جنبنى عقابك ، وامنحنى ثوابك ، واسكنى جناتك ، وارزقنى رضوانك وأمانك ، و اشرك فى صالح دعائى والدى وجميع المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات انك ولى

ص: 142



الباقیات الصالحات ، آمین رب العالمین» .

پس از آن حوائج خود را از خدا بخواه و دو رکعت نماز زیارت بخوان.

### **زیارت عباس عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله)**

بعضی از علماء فرموده اند در بقیع زیارت کن عباس عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و در زیارتش بگو .. «السلام علیک یا عباس بن عبدالمطلب ، السلام علیک یا عم رسول الله ، السلام علیک یا صاحب السقایه ورحمه الله وبرکاته».

و بنقل بعضی نه نفر از زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در بقیع دفنند و چهار نفر از دخترانش ، وعقیل بن ابی طالب وعبد الله بن جعفر الطیار واسماعیل پسر حضرت صادق (علیه السلام) و عثمان بن مظعون همه در بقیع مدفونند. و قبر عبد الله پدر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در مدینه معروف است .

بیت الاحزان نیز پشت بقیع واقع است رفتن بانجا و یاد آوری مصائب دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بی فائده نخواهد بود.

### **زیارت حضرت حمزه بن عبدالمطلب علیه السلام**

در بحار ج 100 ص 220 از شیخ مفید و سید مرتضی و شهید نقل فرموده که چون در احد نزد قبر حضرت حمزه

ص: 143

رفتى بگو «السلام عليك يا عم رسول الله صلى الله عليه وآله السلام عليك يا خير الشهداء السلام عليك يا أسد الله و أسد رسوله ، أشهد انك قد جاهدت فى الله عزوجل وجدت بنفسك ، ونصحت رسول الله ، وكنت فيما عند الله سبحانه راغباً بأبى أنت وامى، أتيتك متقرباً إلى رسول الله صلى الله عليه وآله بذلك راغباً اليك فى الشفاعة ابتغى بزيارتك خلاص نفسى متعوذاً بك من نار استحققتها مثلى بما جنيت على نفسى هارباً من ذنوبى التى احتطبت بها على ظهري ، فزعاً إليك رجاء رحمة ربي، أتيتك من شقه بعيدة طالباً فكاك رقبتى من النار ، وقد أوقرت ظهري ذنوبى وأتيت ما أسخط بي ولم أجد أحداً أفزع إليه خيراً لى منكم أهل بيت الرحمة فكن لى شفيعاً يوم فقرى وحاجتى فقد سورت اليك محزوناً ، وأتيتك مكروباً ، وسكبت عبرتى عندك باكياً ، وصرت اليك مفرداً ، وأنت ممن أمرنى الله بصلته ، وحثنى على بره ، ودلنى على فضله وهدانى لحبه، ورغينى فى الوفاة اليه ، والهمنى طلب الحوائج عنده ، أنتم أهل بيت لا يشقى من تولاكم ، ولا يخيب من أتاكم ، ولا يخسر من يهواكم ، ولا يسعد من عاداكم» .

پس رو بقبله کن و در رکعت نماز زیارت بجا آور و بعد از فراغ خود را بقبر میچسبانی و میگوئی «اللهم

صل على محمد و آل محمد ، اللهم انى تعرضت لرحمتك بلزومى لقبر عم نبيك صلى الله عليه و آله لتجيرنى من نعمتك فى يوم تكثرفيه الأصوات ، وتشغل كل نفس بما قدمت و تجادل عن نفسها ، فان ترحمنى اليوم فلا خوف على ولا حزن ، وان تعاقب فمولى له القدره على عبده ولا تخيبنى بعد اليوم ولا تصرفنى بغير حاجتى ، فقد لصقت بقبر عم نبيك و تقربت به اليك ، ابتغاء مرضاتك و رجاء رحمتك فتقبل منى ، وعد بحلمك على جهلى ، و برأفتك على جنايه نفسى ، فقد عظم جرمى ، وبما أخاف أن تظلمنى ولكن أخاف سوء الحساب ، فانظر اليوم تقلبى على قبر عم نبيك صلى الله عليه و آله فيهما فكنى من النار ، ولا تخيب سعى ، ولا يهون عليك ابتهالى ، ولا تحجب عنك صوتى ، ولا- تقلبنى بغير حوائجى ، يا غياث كل مكروب و محزون ، و يا مفرجاً عن الملهوف الحيران الفريق المشرف على الهاكه ، فصل على محمد و آل محمد و انظر الى نظره لا أشقى بعدها أبداً ، وأرحم تضرعى و عبرتى وانفرادى ، فقد رجوت رضاك ، و تحريت الخير الذى لا- يعطيه أحد سواك ، فلا- ترد أملى ، اللهم إن تعاقب فمولى له القدره على عبده و جزائه بسوء فعله فلا- أخين اليوم ولا- تصرفنى بغير حاجتى ، ولا تخيبن شخصى و وفادتى ، فقد أنفدت نفقتى و أتعبت

بدنی وقطعت المفازات وخلفت الأهل والمال وما خولتني و آثرت ما عندك على نفسي، ولذت بقبر عم نبيك صلى الله عليه وآله، وتقر بت به ابتغاء مرضاتك، فعد بحلمك على جهلي، و بر أفتك على ذنبي، فقد عظم جرمي برحمتك يا كريم يا كريم» .

### زيارت شهدای احد)

در بحار ج 100 ص 221 فرمود پس برو نزد قبور شهداء و زيارت كن ايشان راو بگو . «السلام على رسول الله ، السلام على نبي الله ، السلام على محمد بن عبد الله ، السلام على أهل بيته الطاهرين ، السلام عليكم أيها الشهداء المؤمنون ، السلام عليكم يا أهل بيت الايمان و التوحيد، السلام عليكم يا انصار دين الله و انصار رسوله عليه وآله السلام ، سلام عليكم بما صبرتم فنعمة عقبى الدار ، أشهد أن الله اختاركم لدينه وأصطفىكم لرسوله ، وأشهد انكم قد جاهدتم فى الله حق جهاده وذيبتم عن دين الله وعن نبيه وجدتم بأنفسكم دونه و أشهد انكم قتلتم على منهاج رسول الله فيجزاكم الله عن نبيه وعن الإسلام وأهله أفضل الجزاء، وعرفنا وجوهكم فى محل رضوانه و موضع اكرامه ، مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا ،

ص: 146

أشهد انكم حزب الله ، وان من حاربكم فقد حارب الله ، وانكم أمن المقر بين الفائزين الذينهم أحياء عند ربهم يرزقون فعلى من قتلكم لعنه الله والملائكة والناس أجمعين ، أتيتكم يا أهل التوحيد زائراً وبحقكم عارفاً ، وبزيارتكم الى الله متقرباً ، وبما سبق من شريف الأعمال ومرضى الافعال عالماً ، فعليكم سلام الله ورحمته وبركاته ، وعلى من قتلكم لعنه الله وغضبه وسخطه ، اللهم أنفعني بزيارتهم وثبتني على قصدهم وتوفني على ما توفيتهم عليه واجمع بيني وبينهم في مستقر دار رحمتك ، أشهد انكم لنا فرط ونحن بكم لاحقون» و میخوانی سوره انا أنزلناه را آنچه را بتوانی و برای هر یک از شهداء دو رکعت نماز میگذاری پس از آن مرحوم مجلسی فرموده نمیدانم چرا برای جناب ابوطالب و عبد المطلب و عبد مناف و خدیجه رضوان الله علیهم زیارتی در کتب خود ذکر نکرده اند با اینکه قبور ایشان در مکه نزدیک ابطح معروف است و فضل و کمال ایشان در نزد شیعه معلوم بوده ، و شاید برای تقیه ذکر کرده اند.

در کافی ج 4 ص 560 عقبه بن خالد از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال میکنند که ما بکدام یک از مساجد اطراف مدینه ابتداء کنیم؟ فرمود بمسجد قباء پس زیاد نماز گذار در آن که اول مسجد یکه رسول خدا نماز خوانده آن بوده، پس از آن بمشربه به أم ابراهیم برو و نماز بخوان در آن که آنجا جای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و محل نمازش بوده پس از آن برو بمسجد فضیخ و نماز بگذار در آن که پیغمبر تو آنجا نماز خوانده، و چون این طرف را تمام کردی برو بطرف احد و در مسجدی که پائین حره واقع است نماز بخوان پس از آن بقبر حمزه مرور کن و سلام بسده باو پس از آن بقبور شهداء مرور کن و نزد ایشان بایست و بگو «السلام علیکم یا أهل الدیار أنتم لنا فرطوانا بیکم لا-حقون» پس برو در مسجدی که وقتی بأحد میر وی در طرف راست واقع است و نماز بخوان در آن که از نزد آن رسول خدا باحد رفت وقتی مشرکین را ملاقات نمود و وقت نماز رسید و در آن نماز خواندند، پس از آن برو نزد قبور شهداء و در آن نماز بخوان آنچه را خدا برای تو نوشته است. پس برو بمسجد احزاب و در آن نماز بگذار و

خدا را بخوان که رسول خدا در آن روز احزاب دعا کرد و فرمود «یا صریخ المکروبین و یا مجیب [دعوه] المضطربین و یا مغیث المهمومین  
اکشف همی و کربی و غمی فقد تری حالی و حال أصحابی» والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین تا اینجا این  
مختصر را ختم کردم .

در عصر سه شنبه غره رجب المرجب سنه هزار و سیصد و نود و سه هجری 1393 هـ-

ص: 149

## فهرست منتخب المناسك

سبب تأليف-91

عمره تمتع-92

مواقیت احرام-92

واجبات احرام-94

احرام-95

نیت-95

تلبیه-96

محرمات احرام-96

آینه-97

استمناء-97

انگشتر-97

بوئیدن-97

بوسیدن زن-98

پوشیدن چیز دوخته-98

ص: 150



پوشانیدن روی پا-98

پوشانیدن سر-98

جدال-99

جماع-100

خون-100

درخت-101

دروغ-101

دندان-101

روغن-102

زینت-102

سایه-102

سرمه-103

سلاح-103

شکار-104

کفارات شکار صحرائی-104

صورت گرفتن زن-106

عقد-106

قسم خوردن-107

ص: 151

کشتن جانوران - 107

لمس - 107

مو - 107

ناخن - 108

جای کشتن کفارات احرام - 108

طواف - 108

شرائط طواف - 109

واجبات طواف - 110

نماز طواف - 111

سعی - 113

واجبات سعی - 115

تقصیر - 115

طواف نساء در عمره تمتع - 116

حج تمتع - 116

احرام - 117

وقوف در عرفات - 117

وقوف اختیاری - 117

وقوف اضطراری - 118

ص: 152

وقوف در مشعر الحرام-118

وقوف اختیاری مشعر الحرام-119

وقوف اضطراری مشعر الحرام-119

رمی جمره عقبه-120

واجبات رمی-120

قربانی-122

شرائط قربانی-122

دعای قربانی-124

مصرف قربانی-124

حلق یا تقصیر-124

طواف زیارت-125

نماز طواف زیارت-125

سعی بین صفا و مروه-126

طواف نساء-126

نماز طواف نساء-126

بیتوته در منی-128

رمی جمرات-129

زیارت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه-130

ص: 153

ثواب زیارت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)-130

الفاظ زیارت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)-131

منبر-132

زیارت حضرت فاطمه (علیه السلام)-132

وداع حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)-135

زیارت ائمه بقیع (علیه السلام)-136

وداع ائمه بقیع-139

زیارت فاطمه بنت أسد-139

زیارت ابراهیم پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)-141

زیارت عباس عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله)-143

زیارت حضرت حمزه-143

زیارت شهداء احد-146

ذکر سائر مساجد در مدینه-148

ص: 154

تصوير

□

ص: 155

## أثر قلمی مؤلف از قرار ذیل است

- (1) سراج المبتدئين در شرح و ترجمه منیه المرید مرحوم شهید ثانی (ره) در سنه 1376 در اصفهان بطبع رسیده
- (2) هدایه الطالبین در شرح و ترجمه آداب المتعلمین مرحوم خواجه طوسی «قد» در سنه 1377 در نجف اشرف بطبع رسیده
- (3) مفاتیح الصحه فی طب النبی (صلی الله علیه و آله) والأئمه چاپ اول در دو هزار و نسخه در نجف اشرف مطبعه نعمان واقع شد . چاپ دوم در هزار نسخه در ماه رجب 1392 در تهران واقع شد. چاپ سال سوم در دو هزار نسخه در ماه ذیقعدہ 1392 ایضا اتمام پذیرفت .
- (4) رمز الصحه فی طب النبی والأئمه در نجف اشرف 1381 مطبعه آداب از چاپ خارج شد .
- (5) الجمان الحسان فی أحكام القرآن در سنه 1382 در تهران بخط مؤلف افسست شد و آن خلاصه آیات الاحکام مرحوم جزائریست با ترتیب خاص ،
- (6) هدایه الاخوان خلاصه خصال .
- (7) اصول دین
- (8) المجموعه .

ص: 156

(9) حظ الشباب مقتبس الكنى واللقاب . این چهار کتاب خطی و در مهاجرت از نجف اشرف بایران مفقود شده امید است هر کس پیدا کرده بمؤلف برساند مأجور خواهد بود .

(10 و 11) ثواب اعمال حج و منتخب المناسک مطابق با فتاوی هفت نفر از مراجع زنده همین کتاب حاضر است که در دست شما است .

(12) مفتاح الکتب الأربعة ، که جامع جمیع اخبار کتب اربعه بترتیب حروف هجاء میباشد پنج جلد آن از طبع خارج و جلد ششم تحت چاپ است امید است بزودی از چاپ خارج و بدست دوستان داده شود .

ص: 157

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

